نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال دوم، شمارهٔ ۳۲۷
یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

پیمان با خون شهدای ۱۷ شهریور برای ادامه نبرد با آمریکا!

امپریالیسم آمریکا همه روزهای ایران را جمعه و همه جمعه‌ها را خونین میخواهد.

خون آزادمردان و آزادزنانی که با فریاد «مرگ بر شاه»، «مرگ بر آمریکا» به استقبال گلوله‌های آمریکائی رفتند، هنوز برخاك وطن جاری است.

این خون که از دهان زنان و مردان زحمتکش ایران جوشید و با خون همه خلقهای جهان، که دژخیمان آمریکائی بر خاکشان کشیده‌اند، در شط تاریخ میغرد، تا لاشه عفونی امپریالیسم را از سر راه انسان به زباله‌دان تاریخ اندازد، اکنون در دوسالگی خویش با فریاد «مرگ بر آمریکا»، از میدان شهدا جاری میشود، و در مسیر خود، همه خلق‌های ایران را به وحدت میخواند.

دو سال پیش، در روزی چون امروز، ۱۶ شهریور، رامپیمائی عظیم توده‌ها در تهران، زیر ضربکوب پاها، بااین قرار پایان گرفت: «فردا صبح، میدان شهدا»!

در این راه پیمائی، شعار «مرگ بر شاه»، شعار مسلط بود. سپس طنین خروشان شعار «مرگ بر آمریکا» بگوش می‌رسید. توده‌ها اعلام می‌داشتند که فریب دولت «آشتی ملی» را نخورده‌اند. آنها خواستار سرنگونی شاه بودند. شاه سابق، آنچنانکه در کتاب خویش، «پاسخ به تاریخ»، اعتراف کرده است، در برابر خشم توده‌ها دست بدامان ارباب شد. از کارتر نظر خواست. همان شب اردشیر زاهدی با دستور امپریالیست‌های آمریکائی به ایران آمد و دستور را به شاه ابلاغ کرد. دستور این بود: کشتار...

امپریالیسم جنایتکار آمریکا، چون سراسر تاریخ ننگین خود، می‌کوشید با کشتار توده‌ها، آب رفته را به جوی تاریخ بازگرداند. دراجرای این دستور، صبح روز بعد، درست وقتیکه مردم در خیابانها بودند، شاه سابق اعلام حکومت نظامی کرد. فرمان کشتار بدست اویسی جلاد داده شده بود. مردم در میدان شهدا اجتماع کردند. شهر از طنین فریادهای «مرگ بر شاه، مرگ بر آمریکا» می‌لرزید. تهدیدهای دژخیمان بی‌ثمر ماند و آنگاه به فرمان مستقیم شاه جلاد، توده‌های خلق، که در پیشاپیش آنها صفوف زنان و کودکان قرار داشت، به رگبار مسلسلهای آمریکائی بسته شدند: **ژاله خون شد، خونی که تخت سلطنت را سرانجام واژگون کرد.**

امروز این خونی که با خون هزاران شهید دیگر انقلاب پیوند خورده است، با فریاد «مرگ بر آمریکا» میغرد و می‌تازد.

امروز، «شاه» دیگر جزو تاریخ ننگین ۲۵۰۰ ساله است، اما آمریکا، جلاد میدان ۱۷ شهریور، اویسی خون‌آشام را، همراه جلادان دیگر، بسیج می‌کند. خاك ایران، از هر جا که محل نفوذ امپریالیسم است، محاصره شده‌است. امپریالیسم آمریکا، که از تاریخ پند نگرفته است، و نمیتواند بگیرد، امپریالیسم آمریکا که در سراسر جهان هزاران «جمعه خونین» بوجود آورده‌است، چنگ و دندان تیز می‌کند. امپریالیسم آمریکا به قیمت «جمعه خونین» دیگری، به مقیاس سراسر ایران، میخواهد به وطن ما باز گردد. امپریالیسم آمریکا همه روزهای ایران را جمعه و همه جمعه‌هایش را خونین میخواهد، تا بهشت از دست رفته خویش را بدست آورد.

بیائید!

ای خلق‌های ایران بیائید!
رزمندگان مسلمان بیائید!
پیروان سوسیالیسم علمی بیائید!

تا در دومین سالگشت «جمعه خونین»، سرود خون ۱۷ شهریور را با یك دهان بخوانیم و آنچنانکه مشت یگانه خلق، شاه جبار را سرنگون کرد، دست در دست هم دهیم و یك خلق یکپارچه ایران را بر فرق خونخواران آمریکائی و متحدانشان بکوبیم.

بگذارید تا خون شهدای ۱۷ شهریور، بار دیگر ما را یگانه کند.

حزب توده ایران، خاطره شهدای قهرمان جمعه خونین را گرامی میدارد و می‌داند، تا سلطه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، از وطن ما ریشه‌کن نشده، خون شهدای ۱۷ شهریور، با فریاد «مرگ بر آمریکا»، بر خاك وطن جاری است!

حزب توده ایران بار دیگر اعلام میدارد: تنها وحدت همه نیروهای خلق است که می‌تواند یوزه امپریالیسم هار آمریکا را به خاك بمالد.

در برابر توطئه و تجاوز رژیم بعثی عراق علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متحد شویم

جنگ فرسایشی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه دارد و هر روز ابعاد وسیعتری بخود میگیرد. تجاوز مسلحانهٔ ارتش عراق به مرزهای ایران و گلوله‌باران کردن شهرها و قراء مرزی، ایجاد گروههای مسلح مزدور و تروریست و خرابکار در داخل ایران واعزام چنین گروههائی ازعراق به خاك ایران، تقویت نیروهای ضدانقلابی در داخل ایران بویژه دراستانهای مرزی با پول و سلاح و کارشناسان نظامی و تخریباتی، پخش وسیع تبلیغات سرتاپا دروغ و ناسزا گوئی رادیوئی و دیگر اشکال تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب و دیگر مسئولان مملکتی، تشدید فشار و اختناق در داخل عراق علیه گروههای سیاسی و مذهبی و مترقی و میهن‌پرست، که علیه رژیم سفاك بعثی سر به‌اعتراض و قیام برمیدارند و یا به دفاع و پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مبادرت میورزند. راندن ایرانیان از عراق، ایجاد اختلال هرچه بیشتر در اقتصاد و بازار استان‌های مرزی، خریدن و بغارت‌بردن فلزات قیمتی از مرزهای ایران، خریدن و بردن احشام و اغنام از خاك ایران، بدست گرفتن بازارهای مناطق مرزی و سرازیر کردن کالا از عراق به‌این مناطق، وابسته کردن بازار و زندگی مردم این مناطق به پول و بازار عراق و کوشش برای ایجاد اختلال در صنعت نفت ایران و غیره، همگی نمونه‌هائیست از جنگ فرسایشی که رژیم خونخوار بعثی علیه جمهوری اسلامی ایران براه انداخته و هر روز آنرا بیشتر دامن میزند.

علاوه بر همهٔ اینها، خاك عراق، با توافق و یاری رژیم صدام‌حسین، بیکی از عمده‌ترین مراکز تجمع شاه‌پرستان و ساواکی‌ها و ضدانقلابیون فراری و توطئه‌گران و کودتاسازان علیه جمهوری اسلامی ایران مبدل شده است. اشرف‌ها، بختیارها، اویسی‌ها، پالیزبانها و دیگر جانیان و خائنان و قلدران سردمدار ضدانقلاب با میلیاردها دلار ثروتی که از خون دل و عرق جبین مردم محروم ایران بغارت برده و به بانکهای اروپا و آمریکا انتقال داده‌اند، در خاك عراق پایگاه نظامی تخریباتی تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده‌اند و در این عمل جنایتکارانه خود، از توافق و یاری و همکاری وسیع رژیم صدام‌حسین برخوردارند. درواقع، در یك کلمه باید بگوئیم که، عملا مرز ما با عراق به پرتوطئه‌ترین و مخاطره‌انگیزترین بخش از مرزهای دولتی کشور ما مبدل شده است.

انگیزهٔ رژیم بعثی عراق برای یك‌چنین مناسبات خصمانه و لجام‌گسیختهٔ علیه جمهوری اسلامی ایران چیست؟ حقیقت امر اینست

بقیه درصفحه ۲

کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران را متوقف کنید!

در روزهای اخیر کارزاری، برپایه دروغ و بهتان، علیه حزب توده ایران انجام میگیرد که، صرفنظر از اینکه مایه تعجب و تاسف است، بویژه سئوال‌انگیز است.

از «کشف خانه تیمی حزب توده درپوشش موسسهٔ نشر کتاب»، از «پایگاههای حزب توده در لوای انتشارات»، از «کشف اعلامیه های حزب توده علیه انقلاب اسلامی ایران» و ... سخن میرود، که ضبط نشریات حزب توده ایران و توقیف یکی از هواداران حزب توده ایران رانیز بدنبال دارد. این اخبار همزمان و در ارتباط با کشف و ضبط نشریه‌های سازمان پیکار وتوقیف عده‌ای ازوابستگان آن بجرم فعالیتهای سیاسی علیه انقلاب منتشر میشود.

ما دربارهٔ برپایگی این اخبار و اتهامات توضیح داده‌ایم (نامه مردم، شماره ۳۲۴)، ولی چون، بدون اعتنا به این توضیحات و بدون توجه به مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ـ که برهمگان روشن است ـ این کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران ادامه دارد، به ناچار باردیگر به توضیح مشخص‌تری در این‌باره میپردازیم، تا معلوم شود عیار این «اخبار» چیست؟ و هدف از انتشار آن کدامست.

بقیه در صفحه ۲

حرفهای خبرگزاریهای امپریالیستی را تکرار نکنید!

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: «وضع تبلیغات جهانی علیه ما، روز بروز شدیدتر میشود. این رادیوهای بیگانه، این روزنامه‌ها و مجلاتی که در خارج از این کشور منتشر میشود، نسبت به اوضاع و احوال ایران، آنچنان نقش موذیانه‌ای را تعقیب می‌کنند که انسان شگفت‌زده میشود. اما من می‌خواهم خواهش کنم، از بعضی ازروزنامه‌های خودمان، ازبعضی دست‌اندرکاران خودمان، از بعضی از مسئولین و مردم معمولی که آنها دیگر اسیر تبلیغات روزنامه‌های خارجی نباشند، آنها دیگر این حرفها را تکرار نکنند.»

(از خطبه‌های نماز جمعه، ۱۴ شهریور ۵۹)

سرپرست خبرگزاری پارس: «امروزه یك امپریالیسم خبری در دنیا وجود دارد، که علیه انقلاب ما بسیج شده است و به ایجاد شایعه و پخش اخبار دروغ می‌پردازد. این برای تضعیف رهبری و ایجاد جنگ روانی در بین مردم است.»

(«جمهوری اسلامی»، ۸ شهریور ۵۹)

ارگان حزب جمهوری اسلامی: «این واقعیتی است که کشورهای امپریالیستی و صهیونیستی، بادراختیار داشتن خبرگزاریهای بزرگ جهان نظیر آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویتر، خبرگزاری فرانسه و ... تقریبا ۹۰درصد اخبار جهان از کانالهای خبری آنها گذشته و تعبیر و تفسیر میشود».

(«جمهوری اسلامی»، ۱۲ شهریور ۵۹)

اما آمار میگویند که، متاسفانه علیرغم این نظریات صحیح و درست مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی ایران و نیز برخی مسئولین رسانه‌های گروهی آن، هنوز ۹۰درصد اخبار، تفسیرها و تحلیل‌های رسانه‌های گروهی ایران در کنترل امپریالیسم خبری هستند.

چرا برای قطع این وابستگی خطرناك و مهلك، اقدامی جدی بعمل نمی‌آید؟

توسط «اشخاص متفرقه»! دفتر نشریه کارگری «اتحاد» اشغال شد

دفتر نشریه کارگری «اتحاد»، روز ۱۴ شهریور ۵۹ توسط عوامل مشکوك و «اشخاص متفرقه!» اشغال شد.

این افراد در ساعات پایانی روز ۱۴ شهریور، که دفتر این نشریه تعطیل بود، بزور وارد آن شدند و دفتر را اشغال کردند. و این درست درزمانی است که همه احکام احتمالی مربوط به جلب و دستگیری و اشغال و... از تاریخ ۱۲ر۶ر۵۹ ازسوی دادستان کل انقلاب باطل اعلام شده‌است.

اشغال دفتر نشریه کارگری «اتحاد» نیز تاکید مجددی بر گسترش فعالیت ضدانقلاب بمنظور زمینه‌چینی کودتای آمریکائی در ایران و لزوم مقابله باآن است.

براین اساس، مابرای چندمین‌بار به مسئولین امر هشدار می‌دهیم که آزاد گذاشتن اینگونه افراد و بی‌توجهی به اعمال غیرقانونی آنها، ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد خواهد آورد. لذا برمسئولین امر است که هرچه زودتر به این وضع خطرناك با قاطعیت پایان دهند و بدین‌ترتیب ضربتی بنیادی بر امپریالیسم آمریکا و وابستگان آن در ایران وارد آورند.

با مردم مشورت کنید!

مردم را در سرنوشت خودشان دخالت دهید

باید با مردم مشورت کرد وبا شرکت مردم وبدست خود مردم مسائل را حل وفصل نمود، بویژه درجائی که مسئله بزندگی روزمرهٔ مردم مربوط میگردد.

مشورت با مردم خواستی است که اصل اسلام انقلابی «وشاورهم فی‌الامر»، آنرا مطرح کرده‌است. اصل مشورت با مردم مبنای حاکمیت مردمی، حاکمیت جمعی و نظام شوراها را تشکیل میدهد و بزرگترین سد و مانع را در راه ظهور دیکتاتوری و جداشدن حکومت از مردم وقرارگرفتن آنان در برابر یکدیگر رابوجود می‌آورد. مشورت بامردم وبالنتیجه تصمیم گیری باشرکت مردم، روشنی و اتحاد و اعتماد می‌آفریند، جلوی سوء تفاهمها و بیگانگی‌ها را میگیرد، شور و شوق بوجود می‌آورد و نیروها را بسیج میسازد. مشورت با مردم به‌یافتن درست‌ترین راه‌حل کمك میکند و درحقیقت معجزه می‌آفریند.

مشورت با مردم و درجریان گذاشتن مردم درامور کشورداری بقدری مهم و موثراست که حتی دردشوارترین شرایط وسخت‌ترین اوضاع و احوال نیز بهیچ عذر و بهانه‌ای نمی‌توان از آن عدول کرد و این کلید موفقیت را فراموش نمود. بزرگترین رهبران انقلابهای جهانی در سخت‌ترین گیرودارها همیشه ازمردم مشورت خواسته‌اند.

یکی از جهات برجستهٔ انقلاب بزرگ ایران این بود که به حکومت خودسرانه شاه جبار پایان داد ـ حکومتی که مردم زحمتکش و محروم ایران را جز مشتی افراد بی‌حقوق ولی موظف و مکلف به اطاعت و باربرداری چیز دیگری نمی‌شمرد.

انقلاب بزرگ ایران نظامی آفرید که نهادهای انقلابی آن جوشیده از همین مردم کارخانه و مزرعه و مسجد و مدرسه و کوچه و بازار است و این نهادها چون از خود مردم جوشیده‌اند، نباید و نمی‌توانند پیوند ذاتی خود را با این مردم قطع کنند.

بقیه درصفحه ۲

از تعطیل دانشگاهها قبل از همه و بیش از همه فرزندان طبقات واقشار کم درآمد زیان می‌بینند

صفحهٔ ۷

چه نیروئی مانع تأمین امنیت قضائی است؟

صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دربرابر توطئه...

بقیه از صفحه ۱

که رژیم بعثی عراق در انقلاب ایران یك سرمشق زندهٔ قیام‌برای رهائی خلقهای کشورهای‌اسلامی از بند و زنجیراسارت‌امپریالیسم و دیکتاتوری می‌بیند و می‌ترسد که روح این انقلاب قبل از هر چیز در عراق اسیر و بدبخت امروز رخنه کند و کاخ جباران را بر سر آنها ویران‌سازد. لذا جمهوری اسلامی ایران و خط قاطع و ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی، چون خاری در چشم صدام‌حسین و همه آدمکشان‌بعثی فرومی‌رود و آنها را دیوانه و از خود بیخود میسازد. صدام‌حسین که با محمدرضای خائن‌درملاقات الجزیره ماچ و بوسه کرده‌بود و با رژیم ایران‌محمد رضاشاهی‌ـ آمریکائی‌ـ ساواکی کنار آمده بود، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران کك به جانش افتاد و در همهٔ مسائل حل شده بین ایران و عراق دیه درآورد و کار را به جائی رسانید که‌امروز با هزاران مزدور و با تانکها و توپها و هواپیماها و هلیکوپترها در مرزهای ایران بسنگر نشسته و هر روز بر خاك کشور ما، باران آتش‌و آهن می‌بارد.

در اینجا باید از چارچوب عراق فراتر بنگریم و ریشه‌های جهانی سیاست رژیم صدام‌حسین را بروشنی تشخیص دهیم. باید بدانیم که آنچه از جانب رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران جریان‌دارد،یکی ازحلقات توطئه عظیم امپریالیسم جهانی،به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانست. رژیمهای مرتجع و دست‌نشانده برخی از کشورهای اسلامی از قبیل رژیم‌های‌سادات و سعودی و ملك حسین و ملك حسن و ضیاءالحق و قابوس و شیوخ مرتجع منطقه و ارباب انها امپریالیسم آمریکا، عراق و پاکستان‌وخلیج‌را مهمترین‌سنگرهای جبههٔ مقدم خود علیه جمهوری اسلامی ایران میدانند و د راین میان ظاهرا عراق از همهٔ آنها فعالتر است. درواقع باید رژیم بعثی عراق را بمثابهٔ یك پایگاه ضد جمهوری اسلامی ایران در صف اسرائیل وپایگاه دیگوگارسیا و ناوگان آمریکا در آبهای خلیج و دریای عرب محسوب داشت، که همه آنها از یك مرکز علیه ایران رهبری میشوند و این مرکز سازمان «سیا» و «پنتاگون» است.

در چنین وضعی تکلیف ما چیست؟ جمهوری اسلامی ایران باید به چه شیوه‌ای و با چه وسائلی در برابر توطئه‌های‌امپریالیسم آمریکا و بطور مشخص در مقابل رژیم قلدر بعثی عراق، و این «همسایهٔ بدسرشت ایستادگی کند؟ گرچه پاسخ‌به‌این سئوال اصولا روشن است، ولی لازم میدانیم برخی نکات کرهی مطلب را دراینجا بیان کنیم:

اولا باید در مقابل‌صف متحد دشمنان خارجی، صف دوستان خارجی خود را بوجود بیاوریم و بطورفعال آنرا بحرکت درآوریم. مثلا در حالیکه مصر و عربستان سعودی و عراق و پاکستان و ترکیه و عمان، یعنی رژیمهای دست‌نشاندهٔ مرتجع برخی از کشورهای اسلامی علیه کشور ما یك جبههٔ متحد بوجود آورده‌اند، ما نیز باید با رژیمهای مترقی و ضدامپریالیستی دیگر کشورهای اسلامی، از قبیل سوریه و لیبی و الجزایر و یمن دمکراتیك و جنبش آزادی‌بخش فلسطین صف متحد و اتحاد فعال خود را بوجود بیاوریم و اتحاد انقلابی این کشورها را درمقابل اتحاد ضدانقلابی دشمنان میهن خود قرار دهیم. نیروهای سادات، که هم‌اکنون در نوار مرزی عراق علیه ایران سنگر گرفته‌اند، باید چشم ما را باز کند.

در ایجاد و بسیج صف‌دوستان خارجی انقلاب ایران، باید از چارچوب کشورهای اسلامی نیز پافراتر نهیم و در قبال امپریالیسم جهانی،بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، دوستان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران را درسرتاسر جهان معین‌کنیم و با تکیه بر صف عظیم دوستان در سراسر جهان، درمقابل دشمنان خود بایستیم. از کلیه سیاستها و پدیده‌ها و گامهائی که ما را از دوستان واقعی خود در پنج قطعهٔ جهان دور سازد، باید با قاطعیت احتراز کنیم. از طرز تفکرهائی که احتمالا ما را به انزوا و انفراد از دوستان واقعی خود بکشاند، باید دوری جست.

ثانیا ـ در داخل کشور باید صف متحدهمه‌نیروهائی را که از جمهوری اسلامی ایران صمیمانه دفاع میکنند، بوجود آورد و از کارگر و کشاورز و اهل‌مسجد و مردم دانشگاه و بازاری و روشنفکر و کارمند و مستخدم، در زیر رهبری امام‌خمینی، یك ارتش عظیم‌سیاسی و نظامی برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران تشکیل داد. باید میدان فعالیت همهٔ احزاب وگروهها و سازمانهای سیاسی را ،که صمیمانه‌از جمهوری اسلامی ایران دفاع‌میکنند،بازکرد و موانع غیرقانونی را که بر سر راه مبارزه پرثمر انها ایجاد گردیده، برداشت. باید خود را از اندیشهٔ انحصارطلبی بدور نگاه‌داشت و این واقعیت را یك لحظه فراموش نکرد که، تنها و تنهانیروی خلق است که حلال مشکلات است و دفاع از انقلاب و میهن مستقل و آزاد، وظیفهٔ مقدس و مشترك همهٔ خلق و همه نیروهائی است که به این انقلاب و این‌میهن‌مستقل و آزاد اعتقاد و ایمان دارند.

ثالثاً ـ در ارتباط با مسئله مشخص، یعنی تجاوز رژیم بعثی عراق، باید بگوئیم که علاوه‌بر دو وظیفهٔ عمده و اصلی، که در فوق‌بدانها اشاره‌شد، و عمده‌ترین راهها و اسباب مقابله با تجاوز آمریکا و عراق و هر تجاوز دیگری را تشکیل‌میدهند، مقابله با توطئه‌های رژیم بعثی عراق‌خود مستلزم اجرای تدابیر ویژه دیگری نیز هست. از آنجمله است:

۱ـ حل عادلانه مسالمت‌آمیز مسئلهٔ کردستان بر مبنای پیام تاریخی امام خمینی برای رفع ستم ملی از خلق کرد و بسود انقلاب ایران. حل‌مسئلهٔ کردستان به‌قطع جنگ برادرکشی خواهد انجامید، زمینهٔ عینی توطئه‌ها را در غرب کشور اصولا از میان خواهد برد، نیروهای صدیق و انقلابی کرد را با همهٔ نیروهای صدیق و انقلابی ایران عملا در یك صف ـ صف دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد داد و بدین ترتیب ضدانقلاب را از زمینه و دستاویز موجودیت محروم خواهد کرد.

۲ـ احتراز از هرعمل نادرستی که عملا به‌توسعهٔ خرابکاریهای رژیم بعثی عراق و ضدانقلاب کمین‌کرده در عراق کمك‌میکند. مثلا محاصرهٔ اقتصادی برخی مناطق کردنشین، که چندماه‌قبل مدتی جریان داشت، از جملهٔ‌این اعمال است.این محاصرهٔ‌اقتصادی و در نتیجه کمبود کالا و لذا گرانی در مناطق مذکور، سبب شد که رژیم بعثی عراق سیلی از کالاهای خود را بوسیلهٔ ایادی و قاچاقچیان و کارگزاران ضدانقلاب به همین مناطق سرازیر سازد. در نتیجه، نفوذ و رسوخ اقتصادی عراق، پول‌عراقی، کالای عراقی، ارتباطات رنگارنگ از عراق به ایران توسعهٔ عجیبی یافت و عملا مناطق تحت‌محاصره اقتصادی تا حدود زیادی‌از ایران گسست و با عراق ارتباط پیدا کرد. این به زمینهٔ مادی توطئه و تخریبات رژیم بعثی عراق در کردستان ایران مبدل شد و چه زیانهای بزرگ مادی و معنوی که از این رهگذر عاید کشور ما گردید. قاچاق اغنام و احشام، خروج ارز و طلا توسط عراق و از اعتبار افتادن پول ایران وغیره جزئی از این زیانهای بزرگ بود.

ثالثا توسعه و تقویت سپاه پاسداران، از همهٔ جهات، تحکیم ارتش، ایجاد هماهنگی‌انقلابی‌در داخل همه بخشهای نیروهای‌مسلح ایران و آمادگی دائمی و همه‌جانبه برای درهم کوبیدن هر تجاوزگری که خیال دست‌درازی به خاك میهن ما را در سر بپروراند، وظیفه‌ایست درجه‌اول، که هرگز نباید از مد نظر مسئولان مملکتی دور بماند.

باید رهنمودهای امام‌خمینی‌را دربارهٔ ایجاد ارتش ۲۰میلیونی با جدیت هرچه تمامتر اجرا کرد. باید کارخانه و مسجد و دانشگاه و مدرسه و مزرعه را به سنگرهای تسخیرناپذیر انقلاب مبدل کرد.

نباید آنی غافل بود و تسلیم خوش‌خیالی و غرور شد. تاریخ قبل‌ازهرچیز زمامداران‌امور را در برابر مسئولیت عظیمی قرار داده است. اگر بجای حل عمده‌ترین مسائل انقلاب، که حفظ انقلاب درراس‌همهٔ آنها قرار دارد، سرگرم‌مسائل‌فرعی و احیاناخصوصی شویم، اگر بجای اتحاد خلق و نیروهای صدیق خلق، در گرداب تفرقه‌افکنی و نتیجتاً پراکندگی بیفتیم، با سرنوشت انقلاب بازی کرده‌ایم.

حزب تودهٔ ایران بر مبنای مشی اصولی و انقلابی و تجارب خود، درهمه‌مسائل نظر مشخص داده و همواره راه خروج از اشکالات را بیان کرده است.

اکنون هم که‌کشور ما با توطئه‌های عظیم امپریالیسم آمریکا و ایادی آن روبرو است و حلقهٔ توطئه بر اطراف کشور ما هرروز تنگتر میشود، حزب تودهٔ ایران نظر خود را دربارهٔ مقابله با این توطئه‌ها و حفظ انقلاب‌و جمهوری اسلامی ایران بیان کرده است.

حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که اماده است برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران کلیهٔ امکانات و نیروی خود را در اختیار رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران قراردهد. **حزب تودهٔ ایران پیشنهاد تشکیل «کنگرهٔ تفاهم‌ملی» را کرده‌است.**

امیدواریم مسئولان متعهد و انقلابی و میهن دوست امور ندای قلبی ما را با تمام ابعادش به دقت بشنوند و نظرات و هشدارهای ما را بطور جدی مورد بررسی قرار دهند. تجربه نشان داده است و همگان‌برآن‌اعتراف دارند که، ندای حزب توده‌ایران از احساس درد خلق و میهن برمیخیزد و هشدارهای آن‌همیشه پایهٔ واقعی دارد.

بامردم‌مشورت...

بقیه از صفحه ۱

نظام جمهوری اسلامی ایران در همین پیوند ناگسستنی خودبا خلق و تحت‌رهبری **امام خمینی**، که‌خود بارزترین نمونهٔ پیوند با خلق و آرزوها و کرامت خلق است، روز بروز تحکیم خواهد یافت، تثبیت خواهد شد، راه‌رشد خلقی خود را خواهد پیمود وبه چنان درخت تنومند و ریشه‌داری مبدل خواهد گردید، که درسایهٔ آن، مردم رنجدیده و محروم و تحقیر گشته ایران، پس ازقرنها اسارت و سیه‌روزی، دوران جدید زندگی و درواقع دوران زندگی سربلند و پرافتخارخود راخواهند پیمود و شخصیت انسانی خود را بازخواهند یافت.

ممکن است دولت و یامسئولی یك تصمیم صددرصد درست هم بگیرد، ولی بعلت مشورت‌نکردن بامردم و بویژه‌درجریان‌نگذاشتن مردم و توضیح‌ندادن مطلب‌برای مردم، این تصمیم صحیح مورد سوء تفاهم و یا احیانا اعتراضاتی واقع شود.

بهمین مناسبت است که ما مجبور به نوشتن این‌سطورشدیم تا مقامات مسئول رامتوجه سازیم که تنها تصمیم درست کافی نیست، بلکه توضیح آن وبردن منطق آن بمیان مردم نیز یکی‌از شرایط مهم موفقیت در اجرای تصمیم است. نمونهٔ برجستهٔ‌مسئله مورد بحث قراری است که اخیرا درمورد حدمتوسط ۴۴ساعت کار درهفته‌بطوریکسان‌برای کارگران وکارمندان‌به‌تصویب‌هیئت‌وزیران رسیده است.

تصمیم هیئت دولت در اصل خود تصمیم درستی است:

اولا ـ دلیلی ندارد که‌ساعات کار روزانهٔ کارگر بیشتر از کارمند باشد.

ثانیا ـ اگر کارمندان در تمام مدت ساعات‌کار، فعالیت‌ثمربخش و خلاقی داشته باشند، امکان‌آن بوجود خواهدآمد که در آتیه از تعداد پشت‌میزنشینان کاسته‌شود و نیروی فعال کشور بیشترمتوجه امور تولیدی وعمرانی گردد.

ثالثا ـ درحالیکه درکشور ما بخش تولیدی و توزیعی وخدماتی دولتی باید، طبق قانون اساسی، هرچه بیشتر توسعه یابد وفعالیت این بخش دولتی مستقیمابافعالیت ادارات‌دولتی‌پیوندناگسستنی پیدا میکند،خودبخودروشن‌ومبرهن‌است که ساعات کار دستگاه دولتی بایدباساعات کارموسسات‌تولیدی و توزیعی وخدماتی مطابقت‌داشته باشد. ودلائل‌دیگری نیزبرصحت تصمیم دولت می‌توان آورد.

ولی این تصمیم درست، در میان قشرهائی ازکارمندان‌موجب نارضایتی گردیده است. بنظرما این نارضایتی از دوجاسرچشمه میگیرد:

نخست از اینکه دولت بدون مشورت با اقشار مربوطه و یا نمایندگان آنها این تصمیم را گرفته و باصطلاح، دست‌خود آن اقشار را وارد کار نکرده است. درنتیجه، این اقشار تصمیم‌دولت را بمثابه «امر از بالا» وبی‌اعتنائی و بی‌توجهی به کارمندان تلقی میکنند، که‌این اعتراض‌دراین‌حد بجاست.

دوم‌اینکه قشرهائی‌ازکارمندان دولت هنوز از تصورات دوران رژیم سرنگون شده‌دربارهٔ‌دستگاه دولتی وکارمنددولتی‌جدانشده‌اند. در آن دوران، این مملکت ما مال بی‌صاحب و خوان یغما بود. شاه و خانواده و اطرافیانش و انحصارات امپریالیستی و ایادی ایرانی آنها باتمام قوت و قدرت خود می‌چاپیدند و از این مال غارتی، بعنوان حق‌السکوت و دلیلی برای اثبات‌تمدن بزرگ سهمی هم جلو برخی از طبقات متوسط و اقشارحقوق‌بگیر کارمند می‌انداختند وبه‌آنها امتیازاتی از قبیل کوتاهی‌ساعات‌کار میدادند. ولی باید درك کرد که ماانقلاب کرده‌ایم و صاحب مملکت خود شده‌ایم و دلیلی‌ندارد که کم‌کار کنیم.

رسانه‌های گروهی بجای صرف‌کردن‌نیروی خود بمناسزاگوئی به نیروهای صدیق انقلابی، بایستی این مطالب رابرای مردم شرح دهند و به‌آنها تفهیم‌نمایند که نیروی‌کار شما همه‌مال‌مملکت و مردم است و شما آنرا ازوطن آزاد خود دریغ نکنید و نباید دریغ کنید.

البته روشن است که اکثریت عظیم کارمندان آگاه از تصمیم دولت پشتیبانی می‌کنند و ازروی درك و عقل آنرا اجرا می‌کنند. درضمن آنها خواستهائی دربارهٔ حقوق و مسائل بازنشستگی‌وغیره نیز دارند که باز باید با شرکت خودآنها و بدست‌خود آنها و با مهر و امضای دولت شکل‌قانونی بیابد.

امام‌خمینی باآن‌شخصیت‌ممتاز خود، تا حال دهها بار این حرف را به نمایندگان مردم، که به دیدارش میروند، تکرارکرده‌اند که «من خدمتگزار شما هستم». باید از رهبر انقلاب آموخت و هرگز فراموش نکرد که‌دستگاه دولتی و قضائی و قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران همگی «خدمتگزار» مردم هستند. حتی یك‌لحظه نباید به پیدایش چنین تصوری امکان داد که گویا اداره‌کردن کشور فقط و فقط در انحصار ارگانهای سه‌گانهٔ مملکتی است. باید نیروی‌لایزال توده‌های مردم را داخل در ادارهٔ کشور کنیم، زیرا فقط‌توده‌های مردمند که یاسرنوشت میهن و انقلاب پیوند مرگ و زندگی دارند، و هرگز نه‌خود منحرف خواهندشد و نه‌به‌انحرافدیگران امکان و اجازه خواهند داد. فقط از طریق مشورت با مردم وداخل کردن‌مردم دراداره واقعی‌مملکت است که این مردم از بیگانگی نسبت به‌میهن خود و ازغریبی دروطن‌نجات‌خواهندیافت و هریك به‌شهروندانی مبدل‌خواهندگردید که‌یقیندررئیس‌جمهوری‌ونخست‌وزیر خود را مسئول امور خواهند دانست ولذا نظام جدید شکست‌ناپذیر خواهد شد.

کار زار دروغ...

بقیه از صفحه ۱

طبقهٔ سوم ساختمانی واقع در خیابان فخررازی، کوچه فرهاد، پلاك ۳۲، بموجب سند رسمی اجاری، بمنظور دایرکردن کتابفروشی نوپا، توسط فردی بنام محمدقلی طاهرزادگان، که از هواداران حزب توده ایران‌است، اجاره شده بود. در کتابفروشی نوپا متعلق به‌آقای طاهرزادگان، تعدادی نامهٔ «مردم»، «پیام مردم»، و اتحاد و تعدادی روزنامه‌های قدیمی سوگند و آذرخش وجود داشته است. طبقهٔ اول و زیرزمین این ساختمان در اختیاروابستگان به‌سازمان پیکار بوده‌است.

چگونه پای حزب توده ایران بعنوان داشتن «خانهٔ تیمی»، «پایگاه»، «اعلامیه ضدانقلابی» به میان می‌آید؟ خیلی ساده! هرچه در طبقهٔ اول و زیرزمین بوده، بحساب طبقهٔ سوم هم گذاشته میشود! و درنتیجه پای حزب توده ایران!

این بهتان های ناروا‌واتهامات کذب در شرایطی علیه حزب‌توده ایران «ابداع» میشود که حزب توده ایران به پیروی بی‌خدشه‌از مشی اصولی و انقلابی خویش در دفاع ازانقلاب‌ایران وجمهوری اسلامی ایران، آنچنان مرزقاطع و روشنی میان خود وگروهکهای چپنمای ضدانقلابی کشیده، که تلاش برای منتسب‌نمودن حزب توده ایران به نیروهائی‌که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران فعالیت می‌کنند، آشکارا عبث و مضحك است، و این اتهامات کذب را حتی با خروارها سریش نیز نمی‌توان به حزب توده ایران چسباند.

این تلاشهای زشت‌درشرایطی بعمل‌می‌آیدکه تمامی بلندگوهای ضدانقلابی و سازماندهان توطئه‌های براندازی علیه جمهوری اسلامی‌ایران، از بختیارواویسی و تزیه و بعثی‌های عراق گرفته تا ضیاءالحق، آتشبار دشنام و اتهام علیه حزب توده ایران گشوده‌اند و صریحا خط ونشان میکشند که، درصورت بازگشت به قدرت و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، توده‌ای‌ها رانابود خواهند کرد.

کارزار دروغ و بهتان علیه حزب‌توده ایران،درزمانی‌گسترش می‌یابد که کلیه مسئولین‌صدیق جمهوری اسلامی‌ایران بخوبی‌میدانندکه‌حزب‌توده‌ایران‌باتمام‌قوا و صادقانه به دفاع از موجودیت جمهوری اسلامی ایران درقبال توطئه‌های خطرناك امپریالیسم آمریکا وضدانقلاب داخلی، همت گماشته و در اینراه موفق‌به‌ارائه خدمات ارزنده‌ای به جمهوری اسلامی ایران نیز شده است.

به‌همین‌دلیل، هرگونه‌کوششی در جهت محدودساختن فعالیت قانونی و آزاد حزب توده ایران و یا زیر ضربه قراردادن آگاهانه یاناآگاهانه، خواسته یاناخواسته اقدامی است در جهت خواست و اهداف شوم امپریالیسم آمریکا، متحدان و وابستگان وی، اقدامی است مستقیما به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران.

گذشته از این، اشاعه‌اتهامات براساس و سراپا کذب مذکور و پروندسازی علیه یك‌حزب سیاسی، که درچارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فعالیت علنی و قانونی دارد،اقدامی است علیه قانون اساسی ایران و بالنتیجه گامی است درجهت پایمال‌کردن این مهمترین دستاورد انقلاب ایران.

ما با نگرانی عمیق به این اقدامات خلاف‌قانون، ضد اخلاق و خلاف مصالح انقلاب وجمهوری اسلامی می‌نگریم و مصرانه مسئولین صدیق جمهوری‌اسلامی ایران را به مقابله با محافلی‌که چنین بی‌پروا قانون را زیر پا می‌نهند و نیروهای صدیق‌پشتیبان انقلاب را مورد حمله قرارمی ـ دهند فرا می‌خوانیم. ما مصرانه خواهان آنیم که کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران متوقف گردد.

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار امریکا دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

ما از پیشنهاد زنان مسلمان پشتیبانی می کنیم

واحد "خواهران حزب جمهوری اسلامی"، "نهضت زنان مسلمان" و "انجمن اسلامی معلمان ایران" اخیراً طی بیانیهٔ مشترکی خطاب به ریاست مجلس شورای اسلامی، خواستار آن شده‌اند که برای رسیدگی به وضع حقوقی زنان، کمیسیونی درمجلس، زیرنظرخانم دست غیب تشکیل شود، تا حقوق زن در اسلام را موردبررسی قرار دهد.

(جمهوری اسلامی ۳شهریور ۵۹)

به‌نظرما، این پیشنهادی است مفیدوسزاوارتوجه، زیرا درمورد حقوق زنان ابهامات فراوان وجوددارد وبرخی حقوق زن را درانجام وظائف میهنی او خلاصه می‌کنندوبرخی دیگر ضمن قبول تفکیک وتمیزمیان حقوق ووظایف زن در تشخیص و تبیین این حقوق دچارگمراهی‌اند وگاهی این وجه وگاه آن وجه از حقوق زنانرا فراموش می‌کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیزدرمورد حقوق زنان فاقد صراحت و روشنی لازم است ودرکلی ترین چارچوب، تنها اشارات قابل تفسیر وتعبیری دارد، که بایددرمتمم قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس، این حقوق در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی مشخص شودواز ضمانت اجرائی کافی برخوردار باشد.

روشن نبودن چارچوب حقوق زنان موجب شده‌است که مخالفان حقوق زن، ازاین زمینهٔ ابهام وتردید سوءاستفاده کرده، هم تمامی حقوق زنان رانادیده بگیرندوهم به حریم امنیت خانوادگی وشغلی زن تجاوزکنند.

درعرصهٔ حقوق خانواده، همانطور که خانم دست غیب درمجلس به درستی بیان داشت:

"بایدمعنی عدالت رادرخانواده تعمیم بدهیم. حال آنکه عده‌زیادی از خواهران مادرحال خردشدن و نابودی هستند... بایدبه‌وضع زن امروزرسیدگی شودوحقوقی راکه‌دراسلام داده شده، به اوبازگردانند."

نویسندگان بیانیه مشترک "احیاء حقوق خانواده رادرجامعه اسلامی" خواستارشده‌اند، زیراحق طلاق انحصاری مرد شیرازه بسیاری ازخانواده ها را، فقط به علت بوالهوسی وبی‌مسئولیتی مردان، ازهم گسیخته وزنان رادرمانده ومستاصل ساخته‌است.

حقوق اقتصادی زنان، یعنی حق آنان به‌کار، برابری دستمزد و بازنشستگی نیزجداً درمعرض تزلزل است. بیکاری روزافزون، بسیاری از زنان کارگروکارمند راخانه نشین ساخته، پاکسازی بهانه‌ای برای برکناری عده‌ای اززنان معلم ودبیر و کارمند موءمن به‌انقلاب شده‌است، استخدام جدید ممنوع است و لایحه قانونی‌بازنشستگی زودترازوقت، پیشینه خدمت بسیاری از دختران وزنان جوان رادر ازاء مبلغی ناچیزبازخریدکرده‌وآنانرا به‌خانه‌ها فرستاده‌است.

نشانه‌های دیگری وجوددارد که برخی مقامات مسئول نه‌تنها ازاشتغال زنان استقبال نمی‌کنند، بلکه در این راه ایجادمحدودیت می‌کنند. برای نمونه مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد، تعطیل کلیهٔ کودکستانهای این استان رااعلام کرده‌ومربیان مربوطه‌را برای تدریس در دبستانها، به‌دوره آموزشی اعزام داشته‌است. بهانه تعطیل کودکستانها، فاقد حقوق بودن این کودکستانهاست. آقای مدیرکل آموزش و پرورش خوشحال است که‌با این اقدام بیست میلیون تومان ازبودجه استان صرفه‌جوئی شده‌است.

(صبح‌آزادگان — ۹ شهریور ۱۳۵۹) این اقدام مدیرکل آموزش وپرورش استان یزدرا، که‌بیم تعمیم آن در سایر استانها می‌رود، به‌چه‌بایدتعبیرکرد؟ تجربه همه کشورها نشان می‌دهد که آموزش قبل ازدبستان یکی از عوامل ضرورومؤثردرآماده ساختن کودک‌برای ورود به مرحله تحصیل وفراگیری‌است، علاوه برآنکه، شبکهٔ کودکستان ها به مادران شاغل امکان می‌دهد تا با فراغت‌بال به انجام وظایف ناشی از اشتغال بپردازند.

اگر در محتوای برنامه‌های آموزشی‌کودکستانها خلل وکمبودی هست، بایدآنرا مرتفع ساخت ونه آن که کودکستانهای سراسریک استان راتعطیل کرد. این اقدام، این توهم رابرمی‌انگیزدکه‌درادامه اشتغال زنان باید موانعی ایجادشودوآنانرابه‌سوی خانه ها براند.

هیچ عقل سلیمی منکراهمیت‌وظایف مادری زن نیست، که‌بایدبه‌نیکوترین وجه به‌سودخانواده ومصالح جامعه‌انجام شود. امایک جامعه بالغ، باسلب حقوق اقتصادی واجتماعی زن وزنجیرکردن اوبه کاهواره، انجام این‌وظیفه والا راازاوطلب نمی‌کند، بلکه‌باایجاد شبکهٔ خدمات، انجام وظایف مادری زن را تسهیل می‌کند ومیان وظایف خانوادگی واجتماعی زن، هماهنگی مطلوب برقرارمی‌سازد.

نگرانی زنان مسلمانی که‌به‌مجلس شورای اسلامی نامه فرستاده‌اند و در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شده، ناشی ازنادیده‌گرفتن حقوق زنان است که‌ما نیزباآنان ابرازهمبستگی‌میکنیم. ماضمن طرفداری جدی از پیشنهادتشکیل کمیسیون حقوق زن در مجلس، ازدولت جدیدمی‌خواهیم که‌برای رفع نگرانی و تشویش از زنان، قوانین مشخصی را در موردتضمین حقوق اقتصادی، اجتماعی‌و خانوادگی زنان، برای تصویب به‌مجلس شورای اسلامی ارائه دهند. باشد که زنان درعمل دریابندکه‌جمهوری اسلامی ایران ضامن حقوق حقه‌آنهاست.

ما از سیاست «نه‌شرقی، نه‌غربی» چه‌چیز می فهمیم

چندی پیش گروه جوانان سیمای جمهوری اسلامی برنامهٔ جالبی را اجراکردند، که ازآن‌برنامه بویژه این جمله درخاطره نقش می‌بندد. سیمای جمهوری اسلامی گفت:

"بشرمی‌تواند همنوعان خود را نابودکند، ولی قادرنیست روح انسانهارا بمبند بکشد."

متاسفانه این نوع سخنان درست و انسانی در صداوسیمای جمهوری اسلامی هنوز تسلط معنوی خود راکسب نکرده است، برعکس تابخواهید تبلیغات زهرآگین، علیه سوسیالیسم علمی و کشورهای سوسیالیستی، انجام می‌گیرد.

این روشهای درخورد نظامهای طاغوتی در جمهوری اسلامی اعمال میشودکه آیات قرآنی‌را رهنمون خودمیداند. همان قرآن که گفته است: "به بندگانی که سخن (ذکر) رامی‌شنوند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند، مژده رستگاری ده!". همان قران که گفته است. "براه خداوندخودازطریق‌حکمت و اندرزهای نغز دعوت کن و با بهترین شیوه با مخالفان مجادله‌نما".

آری، به گفتهٔ برنامهٔ "جوانان"، بشرمیتواند به ضرب گلوله و چماق، باحملات وحشیانه به مراکز احزاب و کتابخانه‌ها، باضرب و جرح، انسانهارا جسما نابودکند، ولی آیا این روش کمترین تاثیری برای نابودکردن روح و فکر وی دارد؟

تنها کسانی تصورمی‌کنند که خشونت وچماق، دروغ وسفسطه حلال است که یاسفیهند و چیزی ازتاریخ نمی‌دانندویامغرض و شارلاتانندو اصلا به چیزی باورندارند و حسابها و خیالات شخصی‌دیگری رادنبال می‌کنند.

موج تاریک تبلیغات علیه سوسیالیسم علمی وکشورهای سوسیالیستی به انحاء مختلف توجیه میشود. مثلا می‌گویند. چون جمهوری اسلامی‌سیاست "نه‌شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" را شعار مرکزی خودقرارداده است، لذاگویا یکی ازلوازم‌این کارآنست که، اگر، بقول اسحق فرهمندپور، "دوصد" لعن به امریکافرستاده شود، بلافاصله باید "پنج‌صد" لعن نثارشوروی گردد، تاتعادل بین شرق و غرب حفظ‌شود!

انسان غرق حیرت می‌شود که آخرکشورهای سوسیالیستی که درموردانقلاب ایران ازهمان آغاز موضع مساعد گرفتند، ومسلما اگر اخطار بموقع اتحاد شوروی نبود، دست امریکا برای حفظ‌رژیم شاه سابق بمراتب بازتروامیدمردم درمقابله علیه آن به ناچار محدودتر می‌بود. بهرجهت، این گام‌بزرگی بوددرجهت منافع خلق ما، درجهت انقلاب ما.

پس از انقلاب، به شهادت واقعیات متعدد اتحادشوروی ودیگرکشورهای سوسیالیستی مرتبا از مواضع ایران درمقابل امپریالیسم امریکا دفاع کردند ومداخله در اموراخلی ایران را تقبیح نمودند. ولی همهٔ اینهامانع ازآن نشده است که هرساعت ساز تازه‌ای علیه کشورهای سوسیالیستی نواختهو هزاران هزارگناه ناکرده و سخن ناگفته به آنهانسبت داده شود.

دبیراول کمیته‌مرکزی حزب تودهٔ ایران‌در توضیحی که در روزنامهٔ اطلاعات و درنامهٔ "مردم" درج شده، گفت که به‌نظرحزب تودهٔ ایران، معنای شعار "نه‌شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" عدم شرکت ایران دربلوکهای موجودو تعقیب یک سیاست مستقل است. این تعبیرکاملا درستی از شعاراست. به‌نظرما، لازمهٔ سیاست نه‌شرقی و نه غربی آن‌نیست که مافحش را بالمناصفه بین عادل و ظالم، بیگناه‌و مقصر، دوست ودشمن‌تقسیم کنیم تا مبادا بمابگویند که به یک طرف تمایل داریم. تازه ایکاش بالمناصفه تقسیم میشد، سهم دوست از دشنام و سفسطه، تا آنجا که ما می‌بینیم، ازدشمن بیشتراست. همان "دوصد" و "پنج صد" اسحق فرهمندپور است!

حجت‌الاسلام محمدمنتظری با توجه به این واقعیت است، که درجلسه چهارشنبه (۵۹/۶/۱۲) مجلس شورای اسلامی گفت:

"سیاست "نه شرقی نه غربی" هم طوری شده که بیشتر شوروی را می‌کوبند، یعنی درعمل امریکا کمترکوبیده می‌شود.

همین قشقرق برسرحزب تودهٔ ایران نیزبراه افتاده است. رادیو، تلویزیون، مطبوعات، معلوم نیست باچه انگیزه‌ای و موافق دستورچه مقامی، حزبی را که باتمام صداقت و جدیت، ازجمهوری اسلامی دفاع کرده و می‌کند، به بادبدترین‌دشنامها و اتهامات می‌گیرند؟ وعجیب اینجاست که به این واقعیت توجه ندارندکه مابین این دشنام‌ها و اتهامات با رادیوهای بختیار و اویسی تشابه و هماهنگی برقراراست.

چطورمیتوان دشمن دشمن جمهوری اسلامی بود و درعین حال دشمن جمهوری اسلامی‌بود؟ این معادلهٔ سخیف را آقایان چگونه حل می‌فرمایند؟

باردیگرتکرارمی‌کنیم: ما باسیاست "نه شرقی‌و نه‌غربی"، به معنای راه مستقل یک ایران غیرمتعهد موافقیم، ولی باتعبیرات ناسالم از این شعار، که درآخرین تحلیل هدفش مبتذل و مفتضح کردن شعاراست، نمی‌توانیم توافقی داشته باشیم، زیرا تعبیرات ناسالم و زیانبخش از این شعاردرعمل مرز بین دوستان و دشمنان انقلاب وجمهوری اسلامی ایران را مخدوش می‌کندو این مسلما به زیان انقلاب وجمهوری اسلامی ایران است.

صداقت و اصولیت انقلابی ثمربخش است

روش اصولی و انقلابی حزب تودهٔ ایران، در دفاع از جمهوری اسلامی‌ایران، درتعمیق انقلاب و رفع مشکلاتی که برسرراه پیشرفت آن قراردارد، در متحدساختن کلیه نیروهائی که درساختن ایرانی‌ا مستقل، آزاد، آباد و مرفه ذینفعندودرشناساندن چهرهٔ مکار و خونخواردشمن اصلی، امریکا، بیش‌از پیش ثمرات خودراببارمی‌آورد.

نیروهای صدیق به روشنی درمی‌یابندکه باید بین دوستان انقلاب و دشمنان آن، بین مدافعان استقلال ایران وطرفداران وابستگی و نظام طاغوتی، بین هواداران زحمتکشان و جانبداران سرمایه‌داران وبزرگ مالکان غارتگر، تفاوت گذاشت. مرزها مشخص‌تر میشود و آن قوای راستین انقلابی، که می‌بایست درعمل، دوش به‌دوش و دست دردست هم عمل کنند، تاستون فقرات دشمن را بشکنند، یکدیگررا می‌یابند. این افق نویدبخشی است که‌به میزان زیادآینده انقلاب و سرنوشت میهن ماوابسته بدانست، زیرا که دراتحاد و اتفاق این نیروهاست که توطئه‌های امریکا خنثی میشود و میلیونهاتن، چون تن واحد، دربرابرآن بسیج می‌شوندوسازندگی ایران مستقل وآزاد به یک جهاد عظیم تمامی خلق بدل میگردد.

هریک از ما درزندگی روزمره خود ودرتماس با افرادمختلف، که دارای نظرگاههای گوناگون هستند، بانمونه‌هائی از این افق نویدبخش روبرومیشویم ودر عمل شاهد ثمرات این روش اصولی وانقلابی، بویژه درپیوند با موضعگیری عناصرمذهبی انقلابی‌هستیم.

نوشته کارگرزحمتکشی که درزیرمیخوانید که درراه شناساندن سیاست حزب خویش اعلامیه‌پخش می‌کرده و مشاهدات خود را دراین زمینه برای ما فرستاده، نمونه بارز و پرمعنائی است از این‌واقعیت ما عین این نوشته را کلیشه می‌کنیم وباهمان اصلاء وانشاء و اصطلاحاتی که‌او نوشته، مطالب آنرا در ذیل نقل می‌کنیم. دراین جا هم‌ارزیابی‌روحانیونی که‌باتجربه خود، به اصالت و صداقت روش حزب ما وتاثیربخشی و کارآئی آن‌درنبرد علیه امپریالیسم پی‌برده‌اند، آموزنده و مهم است، وهم عکس‌العمل تحسین آمیزو غرورآفرین کارگری که پس ازکارروزانه، خستگی رابه‌هیچ میگیرد وبرای‌اشاعه نظریات‌حزبش به پخش اعلامیه می‌پردازد، پرمعنا و جالب است.

او برای العین شاهدثمرات ژرف روش انقلابی و درست واصولیت سیاست حزب خویش است و چنان می نویسد که‌گویی ارزیابی سیاست حزب از زبان روحانیون متعهد و مبارز، تمام خستگی کار و فعالیت را از تنش بیرون میبردومیوه شیرین صداقت و اصولیت را درافق اتحاد علیه امپریالیسم می‌چشد. و اینست نوشتهٔ او.

"روزسه‌شنبه داشتم اعلامیه پخش می‌کردم. بعدچشم (چشمم) به یک سواری افتاد. دیدم‌دوتا آخوند (آخوند) اغب (عقب) ماشین نشسته‌بودند اعلامیه رابه آنهادادم. گفت دورسته (درسته) حزب توده‌پشت‌سرهم اعلامیه تکثیرمی‌کند ای کاش همهٔ گروهها‌مثل حزب تودهٔ ایران بود واقعا حزب توده حرفی که می‌زند دورست (درست) از آب درمی‌آید. امیدوارم هرچه زودترهمه ملت باهم متحدشوند علیه امپریالیسم. درود برشماهاشماهاصادق (صادق) هستید.

(متن نوشته‌کلیشه‌شده)

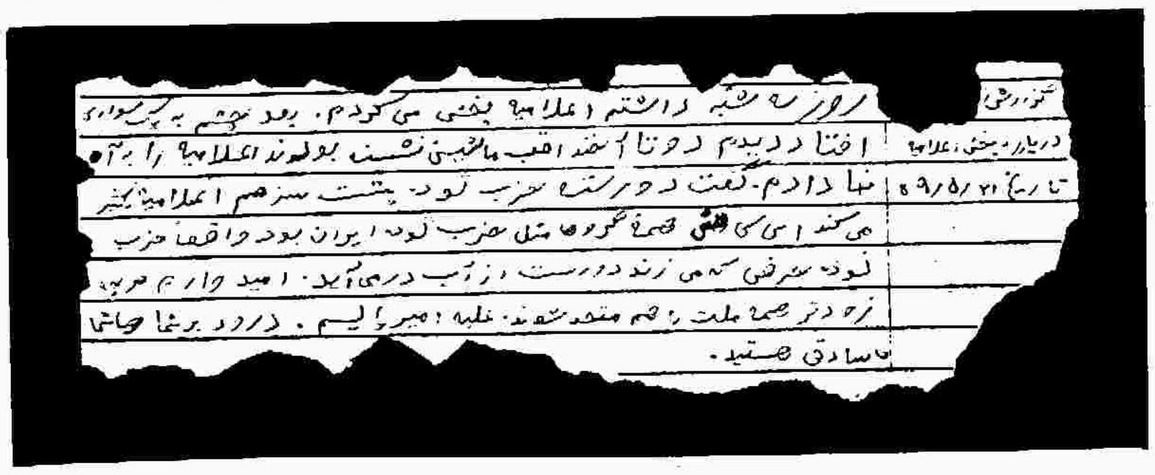

همراه خلق متحد و انقلابی و درکنار دلیران جانباز سپاه پاسداران، از انقلاب وجمهوری اسلامی ایران سرسختانه دفاع کنیم!

حزب تودهٔ ایران — سازمان ایالتی خراسان طی نامه‌ای خطاب به سرپرست سپاه پاسداران خراسان، ضمن اشاره به شرائط‌حساس کنونی و اعلام آمادگی اعضاء و هواداران حزب تودهٔ ایران برای شرکت دربسیج ملی، خواستارفراهم آوردن امکانات وتسهیلات لازم برای شرکت فعالانه آنهاشد. در قسمتی از این نامه آمده است:

"سرپرست محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران‌درخراسان

بطوریکه اطلاع دارید، درلحظات حساس کنونی توطئه‌ای بزرگ و خطرناک و با ابعادی به مراتب وسیعتراز گذشته علیه انقلاب شکوهمندمردم ایران درحال تدارک است. توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، انگلیس و... باکمک رژیم بعثی عراق، مصر عربستان سعودی، اسرائیل، پاکستان وسایررژیمهای دست نشانده وباهمکاری فعال ضدانقلاب درداخل و خارج و زیررهبری اشرف، بختیار ـ اویسی، پالیزبان علیه انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و خلقی مادر شرف تکوین است. امپریالیسم جهانی، بسرکردگی شیطان بزرگ امریکای جنایتکار، میخواهدبهرقیمتی که شده انقلاب وجمهوری اسلامی ایران رادرخون غرق کند و برای اینکارهمه توان جهنمی‌اش رابه‌کار انداخته است.

هرچند که توطئه تجاوز نظامی آمریکادرطبس عقیم ماند و کودتای دوم هم درتیرماه به شکست انجامید، ولی باید توجه داشت که ضدانقلاب وهمه پادوان و زمینه‌سازان کودتای امپریالیستی هنوز فعالند. بویژه شبکه نظامی و سیاسی، ضدانقلاب در استان پهناورخراسان ضربات قاطع و مرگبارنخورده است. این امرباتوجه به حساسیت منطقه و وجود زمینه‌های مساعد برای فعالیت خرابکارانه ونفاق‌افکنانه ضدانقلاب، بخصوص درنواحی مرزی وبرخی شهرهای استان، نگرانی‌آور است.

رزمندگان توده‌ای درهمه‌جای کشورو ازجمله درخراسان مصمم‌اند، همراه خلق متحدو انقلابی و درکناردلیران جانبازسپاه پاسداران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سرسختانه دفاع کنند.

امیدواریم که مسئولین جمهوری اسلامی ایران‌در سراسرکشورازهوشیاری و آمادگی کم‌نظیرو روحیهٔ انقلابی مردم حداکثربهره رابرند و باتشکل آنان درجبهه‌ای متحد و ممانعت از هرگونه تفرقه ودرگیری مانع ازخنثی شدن وهرزرفتن نیروهاشوند.

حزب توده‌ا ایران — سازمان ایالتی‌خراسان، ازجنابعالی انتظاردارد که امکانات و تسهیلات لازم برای شرکت فعالانه همهٔ‌اعضاء وهواداران خویش دربسیج ملی، دردفاع از انقلاب‌و جمهوری اسلامی ایران فراهم‌شود. مااایمان داریم که مردم زحمتکش ومبارز ما سرسختانه و قاطعانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع خواهندکرد و آنرا تاپیروزی‌نهائی و قطعی به پیش خواهندبرد."

بااحترام

حزب تودهٔ‌ایران — سازمان‌ایالتی‌خراسان

۵۹/۶/۱

درضمن سازمان حزب تودهٔ ایران درشهرستان بجنوردنیزطی نامه‌ای به سپاه پاسداران بجنورد، آمادگی خودراجهت شرکت دربسیج ملی اعلام کرد.

سیمانکاران و موزائیک‌سازان جزء در تبریز:

«اتحادیه به سلاحی در دست متمولین این صنف تبدیل شده است»

در شهرتبریز، هم‌اکنون حدود دویست کارگاه موزائیک سازی وسیمانکاری مشغول فعالیت‌هستند. کارگاههای کوچک معمولا با یک تا هشت کارگرکار می‌کنند. سیمان کاران‌با دراختیار داشتن‌وسایل ابتدایی تولید، محصولات و مصالح ساختمانی نظیربلوک، حوض، پله، لوله، سنگ توالت تولیدمی‌کنند و موزائیک سازان با داشتن دستگاه پرس به‌طورعمده موزائیک می‌سازند.

مابه چند کارگاه موزائیک سازی و سیمانکاری سرزدیم و با کارگران به گفتگو نشستیم:

کارگاه سیمانکاری صادقی واقع درمیدان توپ (تبریز)، که صاحب آن به اتفاق دو فرزندش، با یک کارگر دیگر کار میکنند و محصولاتی نظیرپله، لوله، حوض، سنگ توالت و بلوک تهیه می‌کنند.

اکبرپاشاپور یگانه کارگر این سیمانکاری کنتراتی کارمی‌کند. او برای هربلوک هشت و برای هرلوله بیست ریال دستمزد می‌گیرد. کارگر بلوک زن بطور متوسط در روز می‌تواند صدبلوک تولید و کارگر لوله زن قادر به تولید پنجاه لوله به طورمتوسط است.

وقتی از مواد اولیه (سیمان) و کم و کیف آن جویا شدیم، انگار که درست انگشت روی نقطهٔ درد گذاشته‌ایم، زیرا فریادشان بلند شد.

علی صادقی، کارگر سیمانکار و فرزند صاحب کارگاه، که تا پنجم ابتدایی بیشتر درس نخوانده است، می‌گوید:

" مقدار مصرف ماهانه سیمان سیاه کارگاه‌ما دوازده تن است، درحالی‌که اتحادیه برای ما پنج سهمیه درنظر گرفته است. ماهم برای این که بیکار نمانیم، مجبوریم با وجود گرانی سیمان دربازار آزاد، مقداری هم از این بازار سیمان تهیه کنیم. کیسه پنجاه کیلوئی سیمان سیاه از اتحادیه پانزده تومان و دربازار آزاد بیست و پنج تومان برای ما تمام می‌شود. همچنین سیمان سفید، که قیمت اتحادیه‌ای آن پنجاه و دو تومان است، قیمت آن دربازار آزاد از صدوسی تا دویست تومان درنوسان است."

این کارگران نیز همچون سایرزحمتکشان از گرانی مایحتاج زندگی به تنگ آمده‌اند.

*

کارگاه سیمانکاری و موزائیک سازی سینا نیز در محلهٔ روبروی امامیه قرار دارد. دراین کارگاه دو نفر کارگر کار می‌کنند: محمود، که شانزده ساله است و هفتاد تومان مزد می‌گیرد، و نادر، که چهارده سال سابقهٔ کار دارد و صدوسی تومان دستمزد دریافت می‌کند.

آنان بیمه نیستند و ازسایر مزایا نیزمحرومند. علیرغم مصرف ماهیانه بیست ودوتن سیمان‌دراین کارگاه، سهمیه آنها ده تن است و حدود سه ماه است که این مقدار سهمیه نیز تحویل نشده است.

علی مختاری، کارگر کارگاه موزائیک سازی اتحاد، که کارگاه سیمانکاری کوچکی درجلوی منزل خود، دراواخر خیابان طالقانی تبریز، دایر کرده است، می‌گوید:

"چون دستمزد من کفاف مخارج زندگی‌ام‌را نمی‌دهد، باهزار مکافات، پس از مراجعت درمنزل برای خودم کار می‌کنم".

او اضافه کرد که:

"ماهیانه تا صد کیسه (۵ تن) نیزمی‌توانم کار کنم، ولی چون عضو اتحادیه نیستم و ازتسهیلات موجود دراتحادیه استفاده نمی‌کنم، مجبورم سیمان را از بازار آزاد به مبلغ سی و پنج تومان بخرم. از این نظر تا شصت کیسه درماه (۳ تن) بیشترنمی‌توانم کارکنم."

او درپاسخ به پرسش ما که " چرا عضو نیستید؟" گفت:

" سیمانکاران کوچک را به عضویت نمی‌پذیرند. تاکنون چندبار به اتحادیه مراجعه کرده‌ام، ولی آنان ازتحویل سیمان به من خودداری کرده‌اند".

*

موزائیک سازی آیدین، واقع درجادهٔ زنجان (تبریز)، محل دیگری بود که ما به آن سرزدیم. دراین کارگاه هشت نفرکار می‌کنند. کارگران بطور کنتراتی دستمزد دریافت می‌کنند. ازبیمه وسایر مزایا خبری نیست.

حسن نبی‌زاده، صاحب کارگاه، که‌به اتفاق سه فرزندش مشغول به کار است، می‌گوید:

"درحالیکه‌مصرف سیمان سیاه کارگاه ما سی تا سی و پنج تن است، سهمیه تعیین شده برای ما دوازده تن است و هم اکنون دراثرکمبود سیمان حدود یکماه است که دستگاه پرس ما (موزائیک سازی) کارنمی‌کند"

او اضافه کرد:

" درحالیکه شرایط کارگاه ما به طورمثال با کارگاه سهند مشابه است، سهمیه تعیین شده برای آن کارگاه هشتاد و برای ما دوازده تن است".

درمجموع می‌توان گفت که درمیان کارگاه‌هایی که ما به آنها سرزدیم، کارگاههای بزرگ ازچگونگی کار اتحادیه رضایت بیشتری دارند تا کارگاههای کوچک. طبق اطلاعاتی که ما از این رهگذر بدست آوردیم و اجمالا در ذیل می‌آید، اتحادیه برمشکلات‌موجود افزوده است و باترکیب فعلی آن، عملا درخدمت ثروتمندان این صنف درآمده است.

این اتحادیه با ترکیب فعلی تاکنون مرتکب تخلفات چندی شده است، ازجمله:

— سهمیه بندی سیمان ازطرف اتحادیه، اسلوب و قاعده خاصی ندارد و دراثر اعمال نفوذها کم وزیاد می‌شود. برای مثال: یک کارگاه با پرس چهارنفره هشتاد تن سهمیه دارد وکارگاه دیگری با همین شرایط دوازده تن،

— با این که کمیته سیمان طی نامه‌ای خواستار قطع سهمیه چندتن از سهمیه داران به علت فروش سهمیه آنها دربازار آزاد شده بود، رئیس اتحادیه به ارسال سیمان به این افراد ادامه داده است.

— دریافت غیرقانونی حق عضویت به مبلغ بیست هزار ریال برای بلوک زن، چهل هزار ریال برای‌سیمانکار و شصت‌هزار ریال برای پرس‌کار.

اعضاء اتحادیه خواهان رسیدگی مقامات مسئول (ازجمله کمیته امور صنفی امام و مقامات استانداری) به این تخلفات هستند.

زحمتکشان معدن لکان‌وکرک ازهیچگونه امکانات ایمنی برخوردار نیستند

معدن لکان در ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهر خمین واقع است. تولیدروزانه درحدود ۳۰۰ تن سنگ تغلیظ شده‌سرب و روی است. دراین معدن سنگهاتغلیظ و ازطریق بندرانزلی به اتحاد شوروی صادر میشود.

معدن مزبور ازسال ۱۳۳۱ موردبهره برداری قرارگرفته و تاسال ۳۸ کاربهره‌برداری ازآن ادامه داشته است. ازآن‌سال (۳۸) تاسال۴۶معدن بلا استفاده بودو ازآن پس همواره‌دایربوده است.

قبل ازپیروزی انقلاب، معدن فوق خصوصی بودوبه افرادی نظیر علی رضایی تعلق داشت. ولی بعدازانقلاب، دولت کنترل معدن رابعهده گرفت و فعلا زیرنظر "سازمان گسترش و نوسازی صنایع" اداره می‌شود. شعبه‌ای ازمعدن لکان، معدن کرک است، که درمنطقهٔ قوچان‌درجنوب اراک قراردارد.

دراین دومعدن روی هم‌حدود ۱۰۰نفر کارگر بکارمشغولند. اکثرآنهاکارگران محلی هستند ودر معدن کرک درحدود۲۵ نفرکارمی‌کنند، که۵ نفر از آنهارانندهٔ کمپرسی بلدوزر وبقیه کارگرساده‌اند. زحمتکشان این معدن باوجود کارطاقت فرساو شرایط بسیارنامساعد کار، از حداقل حقوق برخوردارند.

یکی ازکارگران این معدن درطی گفتگویی‌گفت.

"باوجودیکه ۱۲ سال است دراین معدن کار می‌کنم، الان روزانه فقط ۷۴۰ ریال دستمزد بمن می‌دهند."

وی درادامهٔ صحبتهایش گفت:

"ازدولت میخواهیم حالاکه به‌خواست خودمان، یعنی‌جمهوری اسلامی رسیدیم، کاری کنندکه‌ظلم‌و ستم ازبین برودو زندگی ماتامین شود."

ازکارگر دیگری میزان دستمزدش رامی‌پرسیم. درجواب گفت:

"من متصدی کمپرسور هواهستم وروزانه ۸۲۰ ریال می‌گیرم."

درمیان گودالی که‌چندنفرکارگربامتهٔ حفاری مشغول سوراخ کردن زمین هستند، گردوخاک زیادی دراطراف متهٔ حفاری درهواپراکنده‌شده است. کارگران بااینکه درمعرض خطرات گوناگون قراردارند، ولی ازهیچگونه وسایل ایمنی برخوردار نیستند. گردوخاک حاصل ازحفاری مستقیما برسینهٔ پردرد کارگران می‌نشیند. صدای متهٔ حفاری آنقدر زیاد است که‌بااینکه در دوسه‌قدمی کارگران ایستاده‌ایم، صدای فریادمان رانمی‌شنوندوفقط وقتی که‌ما را می‌بینند، بطرفمان می‌آیند. جوانانی هستند در حدود۲۵ تا ۳۰ ساله که‌بارویی گشاده‌و مهربان ما را می‌پذیرند.

یکی اززحمتکشان‌می‌گوید:

"حدود ۱۰ سال است که دراین معدن کارمیکنم وفعلا روزانه ۷۴۰ ریال میگیرم. دوسالی هست که بیمه‌شده‌ام. قبل ازپیروزی انقلاب حقوقمان در حدود ۴۰ تومان بود."

کارگردیگری می‌گوید:

"حقوقمان خیلی کم است، ولی برای حفظ انقلاب بایدتامیتوانیم کارکنیم، تاتولیدبالابرود."

باسرپرست معدن لکان به‌صحبت می‌نشینیم، می‌گوید:

"درروزی که‌واردمعدن شدیم باغلب ماشینها غیرقابل استفاده بودند. با کمک وامی که ازدولت دریافت کردیم، توانستیم آنها را به‌راه بیاندازیم. از سوی دیگرحقوق چندماه عقب مانده کارگران را نیز پرداخت کردیم."

وی ادامه می‌دهد:

" درصورت کمک دولت وسرمایه‌گزاری بیشتردراین منطقه، ما می‌توانیم از معدن "دره‌نقره" نیزاستفاده کنیم. در معدن "دره‌نقره" سرب ونقره‌وجوددارد، وباتوجه به‌گرانتربودن این دو فلز، گسترش سطح تولیددراین معدن به نفع و به صرفه خواهدبود."

وی مدعی بودکه درمعدن فوق‌تمام مصوبات وزارت‌کاردربارهٔ کارگران مراعات می‌شود!

اخبارکارگری

در کارخانه چای گلچین قوانین کاراجرا نمی‌شود

کارخانه چای گلچین، واقع درمیدان شوش (تهران)حدود چهل نفرکارگر دارد. دراین کارخانه قوانین مربوط به کارگران اجرانمی‌شود. به عنوان نمونه:

۱ــ کافرمایان بجای اینکه ازکارگران هشت ساعت کارطلب کنند، از آنهامیخواهندکه هرروز مقدارمعینی تولیدکنندــ که معمولا انجام این کار بیش از هشت ساعت بطول می‌انجامد. به این‌ترتیب کارگران بشدت استثمارمی‌شوند. چون کارگران موظف‌اند روزانه هزاربسته (یعنی حدودپانصدکیلو بیشترازحدمعمول) چای تولیدکنند.

۲ــ دراین کارخانه چندکودک پائین تراز ۱۶ سال کارمی‌کنند. برخی از این کودکان، درحالیکه بیش از سه‌سال سابقهٔ کاردارند و پابپای دیگر کارگران کارمی‌کنند، ازطرف کارفرماهنوز کارآموز محسوب می‌شوند. درنتیجه هیچگونه مزایای‌قانونی به آنها تعلق نمی‌گیرد.

۳ــ کارخانه، حق مسکن، حق اولاد و حق خواربار کارگران را تماما پرداخت نمی‌کند.

۴ــ سرویس رفت و آمد برای کارگران موجود نیست. یکی ازکارگران دراین مورداظهارداشت که:

"هر روزصبح مجبورم ازجاده ساوه ــ که محل سکونت من است ــ خود را به میدان شوش برسانم. علاوه براینکه مقداری ازوقتم صرف آمدورفت میشود، بایدمقدار زیادی هم‌کرایه ماشین بدهم."

یکی دیگر از کارگران می‌گفت:

یکی ازکارفرمایان به هیچ یک ازمقررات‌انسانی پایبندنیست، چون کارگران راتنبیه بدنی میکند."

کارگران ازدولت، بخصوص وزارت‌کارمیخواهند که هرچه زودترترتیبی دهند، تاقوانین کاربه‌نحو احسن درکارخانه اجراشود.

تنها چیزی‌که نصیب کارگران کوره‌پزی قاضی‌زاده شده‌است، بیکاری‌است

محمدآباد، بین راه اصفهان ــ یزد قراردارد و دارای بیش ازبیست کوره آجرپزی است. دراین کوره‌ها عده‌ای کارگرافغانی و ایرانی درسخت‌ترین شرایط‌کارمی‌کنند.

مدتی‌است که یکی از کوره‌ها به نام کوره قاضی‌زاده، تعطیل شده است و تعداددویست کارگر آن بیکارشده‌اند.

یکی از کارگران اظهارداشت:

"طبق قرارداد بایستی تا پائیز کاری‌میکردیم. چون درقراردادآمده است که کارگران می‌بایست ده میلیون خشت بزنند. درصورتیکه ما تا بحال فقط سه میلیون خشت زده‌ایم. ولی کارفرما به قول خود وفانکرد و ما را از روز اول مرداد بیکارکرده است."

کارفرما درمورد تعطیل کارخانه به‌کارگران گفته است که. کوره ما ازنوع برجی است، درصورتی که باید پنکه‌ای باشد. (کوره‌های آجرپزی درمحمد آباد یابرجی هستند ویا پنکه‌ای).

کارگردیگری دراین باره گفت:

" دلیل کارفرما اصلا قابل قبول نیست، چون اومی‌بایستی طبق قراردادی که با کارگران بسته است، کوره خود را تا تولید یک میلیون آجر بیکار می‌انداخت وآنگاه کارخانه را تعطیل می‌کرد."

کارگران کوره آجرپزی بیش از یکماه ــ از اول مردادــ است که بیکارند و تاکنون چندین باربه اداره کار و اموراجتماعی مراجعه کرده‌اند، حتی چندین شکایت نامه نوشته‌اند، ولی هیچ چیزی جز بیکاری نصیب آنها نشده است.

مسئولین وزارت کارباید حداقل کارفرما را مجبورکنند که کوره را تاپایان کار براه اندازد، تا کارگران از بی‌سروسامانی نجات یابند.

کارگران کارخانه قیروقوم با مشکلات فراوانی دست‌بگریبانند

* روزی ۱۰ ساعت کار طاقت‌فرسا با ۶۰ تومان

* همه کارگران این کارخانه پشتیبان انقلاب و امام هستند

* کارگران مجهز به وسایل ایمنی کار نیستند

کارخانه قیروقوم در اردبیل واقع است. کارش آسفالت‌پزی است. کارگران از مشکلات زیاد کار و زندگی خود صحبت می‌کنند. یکی از کارگران‌میگوید:

«هفده سال دارم و از ده آب‌بیگلو آمده‌ام. سواد ندارم. برای تامین زندگی خانواده‌ام مجبورم کار بکنم. روزی ۱۰ ساعت کار می‌کنم. دستمزد روزانه‌ام پنجاه تومان است. بیمه نیستم. باید به مشکل ما رسدگی بکنند»

کارگران از وضع بیمه شکایت دارند و خواهان رسیدگی مسئولین به‌این مشکل هستند.

کارگر دیگری می‌گوید:

«از ده به اینجا آمده‌ام، تا کار بکنم. بیشتر پنجاه سال سن دارم. پنج سال سابقه کار در این کارخانه دارم. امسال استخدام رسمی و بیمه شدم. در موقع‌رسمی شدن سابقه کار مرا به‌حساب نیاوردند.

حقوق و مزایا خیلی ناچیز است. روزی شصت‌تومان دستمزد می‌گیرم و ۱۰ ساعت کار می‌کنم. با این گرانی، مزدم کفاف خرجم را نمی‌کند. پدر ۹ سر عائله هستم و همیشه هم شرمنده‌ام.

اگر بگویند شب هم کار می‌کنم، تا خرجم را پیدا کنم و شرمندهٔ فرزندانم نباشم. ببینید دستهایم چطور دراثر تماس با قیر شکلش عوض شده است.»

کارگران این کارخانه پشتیبان انقلاب و امام‌هستند. کارگران آمادگی خود را برای جانبازی در راه انقلاب و امام اعلام داشتند. آنها می‌گویند:

«حاضریم برای آسفالت خیابانهای شهر، شبها هم کار بکنیم»

یکی از کارگران می‌گوید:

«اگر آمریکا بخواهد تجاوزی علیه انقلاب ما بکند، با مشت با آنها مقابله خواهیم کرد و حتما هم شکست با آمریکا خواهد بود»

کارگران روزانه ده ساعت کار می‌کنند: جائی برای استراحت ندارند. کارخانه دور از شهر قرار دارد. کارگران نمی‌توانند برای خوردن ناهار به شهر بروند. آنها خواستار سالن غذاخوری هستند.

کارگری که خود را احمدمعرفی می‌کند، می‌گوید:

«ما به دستکش و دیگر وسایل ایمنی احتیاج داریم. کارکردن با قیرخیلی مشکل است. اگر قطره‌ای قیر داغ روی دست بریزد، تا استخوان می‌سوزاند»

کارگران بعلت سختی کار و نبودن وسایل ایمنی شدیدا در معرض خطر قرار دارند.

دهقانان کم‌زمین وبی‌زمین!

باتشکیل کمیته‌های خود وباتکیه به‌پاسداران متعهد وافراد دلسوز جهاد سازندگی، به‌مسئولان دولتی کمک کنید، تاقانون اصلاحات ارضی سریعاً وبسود شما اجرا شود

ازروستاهای خراسان تا محله فقر «دولت‌خان» در تهران

این مسیر سالهای دراز فقر و آوارگی است، مسیری که درنتیجه بیداد اربابان ده تا استثمار سرمایه‌داران در شهر، با خون این محرومان زمین وخلق کنندگان نعمات زندگی ونگین شده است.

با صورتی سوخته از آفتاب وکمری چنان خمیده، که‌گویی کوله‌بار هزاران سال رنج وبیعدالتی بر دوش اوست. بامیلی دردست زمین را میکاود و خاک را جابجا می‌کند، ولی نه‌در روستای خوددراطراف تربت حیدریه، بلکه‌درمرکز دروازه‌های "تمدن بزرگ ۱" که‌نوکران امپریالیسم به‌او وعده‌داده‌بودند.

" اگرتراکتور بـ ما می‌دادند، اگر یک حلقه‌چاه عمیق دولت برایمان میزد، اگر زمین بقدرکافی بما میدادند، الان در دیار قربت ودوراز زن وبچه‌هایم، اسیر این اربابهای شهری نبودم."

این اگرها را روستایی جوانی، با بازوانی پولادین و سینه‌ای ستبر، درحالی که پابرگل میکوبید، عنوان میکرد. او که‌اهل یکی از روستاهای تربت حیدریه است واکنون اسیرکوره‌پزخانه‌های تهران است، نمی‌دانست ازکشاورزیش بگویدویا از کارگریش، چون هر دوی آن مملواز درد ورنج ومحرومیت بود. می‌گفت:

زمین داریم، ولی درکوهستان است. زمینهای دشت باچاه‌های عمیق و آب فراوانش مال اربابه. با اینحال اگر تراکتور بما میدادند، همین زمین راهم شخم میزدیم‌و می‌توانستیم خرجمان رادر-بیاوریم."

اکثر قریب به‌اتفاق کارگران کوره‌پزخانه‌های "دولت‌خان" را روستائیانی ازاین تیپ تشکیل میدهند. آنها مانندهمه کارگران کوره‌پزخانه‌ها ازمحرومترین و زحمتکش‌ترین کارگران این آب وخاک هستند. دراینجا نیز ازبیمه، حق مسکن، سودویژه، بهداشت و... حقوق دیگر، که کارگران بقیه‌صنوف طی سالها تمیارزه بدست آورده‌اند، خبری نیست. کاردراین کوره‌ها باوسایل ابتدایی صورت میگیرد، که‌قدرت وتوان فوق‌العاده‌ای لازم دارد.

وقتی ازهمان روستایی پرسیدیم که چرا امروز (جمعه) راکار می‌کنی، گفت:

"کارماکنتراتی است. بایدخاک را آب گرفته‌وگل بسازیم وبعدخشت درست کنیم. تاحالا برای هر۱۰۰۰خشت ۶۰تا ۷۰ تومان مزدمی‌گرفتیم. اما مدتی است که منتظر تعیین نرخ بوسیله‌کمیتهٔ صنفی هستیم. اگریک روزکارنکنیم حقوق نداریم. الان هم میخوام برم دکتر، چون فکرمیکنم که شکمم پرخون شده، حالا من هیچ، این کار را (خشت زنی) کارگران باخانواده‌شان ازپیرزن گرفته‌تا بچه یک وجبی انجام میدهند."

درکوره‌پزخانه‌های دولت‌خان، که تعدادشان به ۲۵عددمیرسد، درحدود۱۶۰۰نفر کارمی‌کنند. (روی هرکوره ۸۰ الی ۱۴۰نفر) تعدادی ازکوره‌های این منطقه‌گازسوز شده‌است.

محل سکونت کارگران دراتاقهایی که‌مشکل بتوان به‌آن‌هااتاق گفت، در اطراف کوره‌ها ویا درمحله‌دولت خان در ۲۰ کیلومتری جادهٔ ساوه، قراردارد. گاهی اوقات دریک اتاق بسیارکوچک ۶ نفر زندگی می‌کنند.

درکوره‌های "دولت‌خان" کارگران خراسانی وافغانی اکثریت راتشکیل میدهند. کسانی که‌بازن وبچه‌هایشان به شهرآمده‌اند، به‌کمک همانها خشت میزنند و درهمان آلونک ها زندگی می‌کنند. به آلونک ها نزدیک میشویم. درگوشه‌ای زمین کوچکی، که‌چند درخت درآن کاشته‌شده، بچشم میخورد. روی این قطعه‌زمین سه روستایی خراسانی باچهره‌های سوخته و هیکل های ورزیده‌مشغول کارند. بادیدن آنها به‌این میاندیشم که، چه‌پیوند ناگسستنی مابین این روستائیان وزمین وجود داردکه‌دراینجا نیزکشاورزی را از یادنبرده‌اندوبه‌قصدکاشتن گوجه‌فرنگی زمین رابیل میزنند؟

با مهمان نوازی خاص خودما را به نوشیدن استکانی چای دعوت میکنند. شایدوقتی که‌زیرسایهٔ سپیداری، درسکوت چای می‌نوشیم، این زحمتکشان بیادروستای خود، که‌دراطراف فریمان است، افتاده باشند. سکوت راشکسته می‌پرسم: پدر، چراده‌راول کرد یـد وآمدیدا ینجا؟

جواب داد: "این سئوال راازهزاران کشاورز منطقه‌ما، که‌به‌شهرها سرازیرشده‌اند، بکن."

او منتظرنماندوخودجواب سئوالم‌را، که‌نیک میدانست (ودراصل پاسخ همه کشاورزان بود) داد:

زمین، زمین، زمین!

از زمینداران بزرگ که‌هرکدام‌صدها، وهزارها، هکتارزمین دارند، صحبت‌کرد، ازیکی ازمالکین منطقه‌شان، که‌۱۲تا ۱۵ حلقه‌چاه‌عمیق داشت، یادمیکرد. چاههایی که‌میتوانند۱۰۰ هکتارزمین راسیراب کنندوبه۷ تا ۱۰خانوادهٔ بی‌زمین زندگی درخور انقلاب بزرگ میهنمان وجمهوری جوان ما ببخشند. روستایی جوانی که بجای کار درکوره‌پزخانه‌های "دولت‌خان" می‌توانست با تولیدمحصولات کشاورزی یکی ازخرطومهای مکنده‌امپریالیسم را ازسرزمین ما قطع کند، رشته‌سخن را بدست گرفت وگفت:

"اگر دولت زمینهای اربابان را تقسیم کندویا زمینهای بدون استفاده‌و بایر را باصرف هزینه‌ای درحدود۲۰۰ الی ۲۵۰ هزارتومان، چاه‌بزندوقابل استفاده کند وبه‌ما بسپرد، ما مجبورنیستیم که‌به ازای روزی ۵۰تومان دستمزد ازصبح سحر تا غروب آفتاب روی زمینهای ارباب مزدوری کنیم ویا به‌اینجا بیائیم وبه این روز بیافتیم. زمینهایی که‌مالک اصلی آنها خودمان هستیم. زمینهای طرف ما زمینهایی هستندزرخیز. مثلا تنها بزرگ چغندر یک هکتارزمین ۵۰۰ تومان بجیب ارباب سرازیرمی‌کندویا هرهکتارزمین درحدود۲۰تن چغندر میدهدکه‌هرتن آن۴۰۰ تومان بفروش میرود."

آری، اوخوب میدانست که‌چراوچگونه مجبورشده‌است که‌جوانی وعمرخودرا برای لقمه‌نانی درکوره‌پزخانه‌های تهران تلف‌کند. اوو امثال اودقیقا دردرا می‌شناسندو نسخه‌هم‌برای درمانش دارند. آیا وقت آن نیست که‌مسئولین مملکتی اجرای سریع اصلاحات ارضی بنیادی را تحقق بخشند؟

گذری به‌روستا

مخروبه‌ای به‌نام روستای کوهگری

زمین‌های وسیع روستای کوهگری را به صاحبان واقعی آن‌یعنی دهقانان‌بی‌زمین وکم‌زمین‌برگردانید

روستای کوهگری‌خرامه‌در۶۵کیلومتری شیراز واقع است. دراین روستا ۳۰ خانوارزندگی می‌کنند. ساکنان این روستا ازعشایرایل باصری هستند. این عده قسمت اعظم دامهای خود را فروخته‌اندوازطریق کشاورزی امرارمعاش می‌کنند. این روستا از چوب وگل‌ساخته شده است. مقاومت این خانه‌ها در مقابل بادو باران به علت قدیمی‌بودن بسیارکم است وامکان خراب شدن زیاد.

تمام ساکنان روستاهای اطراف جاده شیراز ـ خرامه به‌اضافه‌ساکنان این روستا ازنظرراه‌ارتباطی‌با مشکلات زیادی مواجه هستند. مسیررودهای کوچک درچندنقطه باجاده‌برخوردمیکند. این رودها اکثرا درتابستان خشک هستند، ولی درزمستان آب‌در آن ها جریان داردودرنقاط تلاقی‌آن باجاده، آب درسطح جاده جریان می‌یابد. برای رفع این مشکل، ازسال قبل طرح ساختن جاده جدیدی آغازشده‌است. کارهای ساختمانی این جاده به کندی انجام می‌شود. اگرکاربرمنوال فعلی پیشرفت‌کند، به‌این زودیها آماده‌بهره‌برداری نمی‌شود. این روستا برق ندارد.

این روستا درمانگاه ندارد روستائیان بیمارباطی مسافت زیادی به شیراز می‌روند وازامکانات این شهراستفاده می‌کنند. این روستا آب لوله‌کشی ندارد. آب‌آن شور وغیرقابل استفاده است. روستائیان مجبورند هرروز به روستای مجاور، که۳کیلومتر باآن فاصله دارد، بروندوازآنجاآب بیاورند. این روستاحمام بهداشتی ندارد. روستائیان در تابستان ازآب چشمه برای استحمام استفاده‌می‌کنند و زمستانها به روستاهای مجاورمیروند.

دراین‌روستا یک دبستان دو کلاسه وجوددارد. دراین دبستان تاکلاس‌پنجم تدریس می‌شود.

اکثرساکنان این روستا راخرده ـ مالکان تشکیل می‌دهند. مالک بزرگ این منطقه زمینهای زیادی دراطراف این روستا دارد. محصول عمده‌این‌روستا گندم وچغندراست. محصول چغندر، بعد از برداشت محصول، به‌کارخانه قند مرودشت‌حمل می‌شود، وبعدازسنجش عیار آن، تنی ۳۰۰تا ۵۰۰ تومان قیمت‌گذاری می‌شود.

به علت شوری آب روستا، محصول چغندرقند چندان پربارنیست. بعضی از روستائیان بجای چغندر، پنبه‌می‌کارند.

دراین روستا تراکتوروجودندارد. خرده‌مالکان ناچارندبرای تراکتور مبلغ زیادتری بپردازند.

روستائیان ازنظرتهیه‌موادغذائی درمضیقه قراردارند. اکثرآنان باید به شهربروندوکالاهای موردنیاز را از شهرتهیه کنند. مسئله کوچ به مقیاس وسیع در این روستا مطرح بوده‌است. اکثرساکنان این روستا به شهر کوچ کرده ودرآن ساکن شده‌اند. علت‌کوچ روستائیان، نداشتن زمین و فقدان امکانات رفاهی دراین روستا است

اکثرزمینهای این روستا دراختیار مالک بزرگ است. بدین ترتیب‌درگذشته عده زیادی خوش‌نشین دراین روستا وجود داشت، که زندگی آنها در روستا بسیار سخت بود. آنان نیز ناگزیر روستا راترک‌کرده وعازم شهرشده‌اند. کم کم بعدازکوچ اکثرساکنان، روستا به صورت مخروبه‌ای درآمده‌است. خانه‌های زیادی خالی و خراب‌شده‌اند، یا درآستانه‌خراب‌شدن قراردارند. با تقسیم زمینهای این مالک بزرگ بین روستائیان کم زمین و بی زمین این منطقه، می‌توان ازمهاجرت روستائیان به شهرهاجلوگیری کرد، و مهاجرین را به زندگی وکار خودبرگرداند.

اخبار دهقانی

اساس سازندگی درروستاها با مشارکت‌خودروستائیان پایه‌گذاری می‌شود

ازطرف جهاد سازندگی ورامین، درماه گذشته یک سمیناردو روزه منطقه‌ای برگزار گردید. دراین سمینار مسائل مختلف روستائی مورد بحث و تبادل نظرقرارگرفت. درپایان یک قطع‌نامه ۱۳ ماده‌ای‌صادر گردید که برخی از مواد آن به شرح زیراست:

"ـ جهادسازندگی ورامین پشتیبانی خودرااز قطعنامه سمینارمرکزی اعلام داشته‌وتضعیف‌نهادهای انقلابی را بهرشکل وازسوی هرگروهی محکوم‌میکند.

ـ جهاد سازندگی اساس سازندگی درروستاها را باتوجه به رهنمودهای رهبری امکان به بسیج همگانی اقشارمختلف مردم خصوصامشارکت خود روستائیان قرارمی‌دهد.

ـ ما پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه خود را از طرح دولتی نمودن بازرگانی خارجی اعلام داشته‌و اقدامات قاطعانه‌ای را برعلیه محتکران و واسطه‌ها خواهانیم.

ـ ما از مجلس شورای اسلامی خواستارقاطعیت درمحاکمهٔ جاسوسان امریکایی و تثبیت قانونی‌جهاد سازندگی تاعمران آبادی و رفع کمبودهای کشاورزان و دامداران عزیز می‌باشیم.

ـ توجه شورای انقلاب و مجلس شورای‌اسلامی را به این نکته جلب می‌کنیم که وقفه دررسانیدن بودجه و پاکم‌کردن آن درجهادسازندگی باعث دلسردی جوانان انقلابی پرشوری است که شب‌وروز درفکرایجاد شدن عوامل ـ رفع موانع درجهت‌تداوم بخشیدن به انقلاب مقدس اسلامی ایران میباشد.

ـ بعلت رشد و نمو فئودالیسم و نظام‌پوسیدهٔ ارباب و رعیتی، بازگشت سپاه پاسداران به منطقه ورامین نیاز اصلی بوده و باتوجه به جمعیت و نیاز منطقه خواستارایجاد دادگاه انقلاب و بنیادمسکن میباشیم. استقرارسپاه پاسداران این نهادانقلابی ازبین مردم برخاسته و موردتاکید امام و امت را در منطقه ورامین ضروری می‌دانیم.

ـ درپی فرمان امام درباره اصلاح و تصفیهٔ ادارات و سازمانهای دولتی، جهادسازندگی ورامین خواستارتغییرسیستم دست و پاگیر و پاکسازی‌ادارات بوده و درصورت عدم توجه به فرمان رهبرانقلاب آمادگی خود را جهت قبول وظائف داوئردولتی منطقه (بغیرازآموزش و پرورش و بهداری وبهزیستی) اعلام‌می‌دارد.

ـ دررابطه با فرمایشات مکررآیت‌اللهمنتظری درمورد خرید محصولات کشاورزان با قیمتهای عادلانه‌تر، پشتیبانی خودرا ازرزارعین منطقه اعلام داشته و تلاش شبانه‌روزی آنان را درجهت کسب استقلال اقتصادی تایید می‌کنیم و خواستاریم.

ماضمن پشتیبانی از هیئت ۷ نفره ازمسئولین وزارت کشاورزی خواستاریم‌که امکانات واختیارات بیشتری به هیئت مذکوربدهند، تا این هیئت‌بتواند برنامه‌های انقلابی خودرا اجرانماید".

دهقانان مینویسند:

ازقره تپه بهشهر

اینجانبان اهالی قره‌تپه بهشهر، دارای۲۵۰ خانوار و ۱۵۰۰ نفرجمعیت، ضمن حمایت ازرهبر انقلاب امام‌خمینی و بادرک صحیح خود از انقلاب، که به گفتهٔ امام، انقلاب مستضعفان علیه‌مستکبران است، خواهان حل مسائل زیرمی‌باشیم:

"ده قره تپه فاقد آب آشامیدنی، حمام‌ناقص، ابزارکشاورزی ناقص وکمبود علوفه دامی، کمبودکود شیمیائی، فاقددرمانگاه وشرکت تعاونی، که تا این تاریخ حدود۲سال از انقلاب شکوهمند ما می‌گذرد، کاملا طاغوتی اداره می‌شودومانند روال گذشته‌است که باعث کمال تاسف همه ماست. قرمتپه فاقدشورای ده، که شورا یکی از اصول اصلی انقلاب مابوده و هست.

۲۰ درصدافراد ده بی زمین وکم‌زمین‌هستند، باوجود زمینهای آبگیرپیش از ۶۰ درصد زراعت ده گندم می‌باشد، که به همین وسیله امرارمعاش‌میکنیم. باتمامی این کمبودهاونارسائی‌ها، ما اهالی ده خواستارقیمت عادلانه گندم هستیم، تا بادلگرمی ومتشکل شدن نیروی عظیم دهقانان دست‌امپریالیسم امریکا و وابستگی‌ما به این جهانخوارکوتاه و کوتاهتر وبریده شود، تا بعنوان حامیان و پاسداران‌انقلاب‌و دستاوردهای آن دربرابر امپریالیسم ایستادگی‌جدی کنیم."

این نامه با امضاء و اثرانگشت دهها‌نفر از دهقانان تاییدشده است.

خواست این دهقانان بجا و بحق است باید با دراختیارگذاردن وسائل ضروری تولید، به امرتولید دراین روستاکمک کرد. همچنین انتخاب یک‌مدیریت صحیح و شورائی با شرکت خود دهقانان، بخصوص دهقانان تهی‌دست، در راس شرکت تعاونی‌میتواند روابط عادلانه‌ای را درامرکار شرکت ایجاد کند و ضوابط طاغوت زده گذشته را بدورافکند. شورای ده یک ارگان بسیارمهم تصمیم‌گیری و اجرائی با اختیارات لازم است، که خوددهقانان دربرگزیدن آن شریکند و وجود آن، درصورتی که مردمی‌ومطابق باشرایط انقلاب باشد، بسیارمفید است. بایدنهادهای انقلابی کمک کنند، تا هرچه زودتر شورای ده تشکیل شود و جدا شروع به فعالیت کند.

درجهان سوسیالیسم

بلغارها امروزه بیست سال بیشتر از سی سال پیش عمر می‌کنند

جمهوری توده‌ای بلغارستان در دهم تیرماه سال گذشته ۸۴۶٫۴۱۴ر۸ نفر جمعیت داشت. درسال گذشته ۱۳۵ هزار بلغاری دیده‌به جهان گشودند. انتظار میرودکه جمعیت بلغارستان در سال ۱۳۶۲ ازمرز۹میلیون بگذرد.

درسال ۱۳۲۵،بلغارستان۷میلیون جمعیت داشت ودرسال، ۱۳۴۱ هشت میلیونمین‌بلغاری تولد یافت.

مهم‌ترین عامل افزایش جمعیت در بلغارستان، ازهنگام استقرار نظام سوسیالیستی تاکنون، بالارفتن انتظار عمربه‌میزان ۲۰ سال است: میانگین انتظارعمر اینک ۷۱ سال است. آهنگ مرگ ومیرنوزادان درهمین سال ها از ۱۴۴ درهزاردرسال ۱۳۲۵ به‌کمتر از ۲۰ درهزار درسال ۱۳۵۸ کاهش پیدا کرده است.

یکی دیگرازویژگیهای تحول جمعیت دربلغارستان، دردهه‌های پیش، افزایش سهم سکنه شهرهاست،که‌مهم‌ترین‌علت‌آن رشدمراکزصنعتی است. در سال ۱۳۲۷، کمترازیک چهارم سکنه‌در شهرها زندگی می‌کردند. این پیکره‌درسال ۱۳۴۹ به پنجاه درصدواینک به بیش از ۶۰ درصدرسیده‌است.

درجهان سرمایه‌داری

بانکهای امریکائی و«سیا» به نئوفاشیست های ایتالیا کمک مالی می‌کنند

بمب‌گذاری اخیرنئوفاشیست های ایتالیا درایستگاه راه‌آهن بولونی،که درنتیجه آن نزدیک به ۸۰ نفر مردم بیگناه کشته ودرحدود۲۰۰ تن سخت مجروح شدند، هرچندخونین ترین تبه‌کاری این باندها بشمارمیرود،سابقه‌ای بس‌طولانی وفاجعه انگیز دارد. تنها در چهاره نخست سال میلادی جاری، در ۴۳۷ عمل تروریستی درایتالیا، ۲۷ نفر کشته و ۹۴ تن مجروح گشتند. برخی‌دیگر ازبارزترین این عملیات تروریستی را در زیربرمی‌شمریم:

* در۲۱ آذر۱۳۴۰در بمب‌گذاری‌در بانکی درمیلان ۱۶تن کشته ودرحدود۱۰۰ نفرمجروح شدند.
* در تابستان ۱۳۴۱ شش تن از شرکت‌کنندگان متینگی، که‌به‌اعتراض علیه خرابکاری های فاشیست ها در جیودی کالابریا برگزار شده بود، در بمب‌گذاری دریک قطارویژه به هلاکت رسیدند.
* درروز۷ خرداد۱۳۴۵ در جریان تظاهرات ضدفاشیستی در دربرسیا بمبی منفجرشد، که به‌مرگ ۸ نفرو جراحت ۹۷ تن انجامید.
* درروز۱۳مرداد۱۳۴۵، درقطاری، که بین بولونی وفلورانس در حرکت بود، براثرانفجار بمب ۱۲ تن کشته‌و ۴۸ نفرمصدوم شدند.
* از۱۱دی ۱۳۵۶ تا ۹تیر۱۳۵۷ در ۱۴۸۷ عمل تروریستی نئوفاشیست ها و دیگرنیروهای ارتجاعی ایتالیا ۲۳تن، ازجمله آلدومورو، صدرحزب دمکرات مسیحی، به‌قتل رسیدند.
* در۲۷ خرداد۱۳۵۸، درجریان‌حمله یک کماندوی نئوفاشیست به دفتر حزب کمونیست ایتالیا درمرکزرم۲۳تن مجروح شدند.
* از۱۱دی ۱۳۵۷ تا ۹ آبان ۱۳۵۸، درایتالیا ۲۹ نفرقربانی عملیات تروریستی شدند.
* اواخرپائیزسال ۱۳۵۹درتظاهرات خشونت بارنئوفاشیست ها درشهرصنعتی تورین، درشمال ایتالیا، ۱۴ نفر سخت مجروح گردیدند. درشش سال گذشته، عملیات تروریستی دراین شهربه‌هلاکت ۱۳تن منجرشده‌است.

درایتالیا درحدود۲۵۰ سازمان و گروهک نئوفاشیستی فعالیت می کنند، که"جنبش اجتماعی ایتالیا"،حزب‌ادامه دهنده راه موسولینی، برهبری‌آلمیرانته مهم ترین آنهاست. نئوفاشیست های ایتالیائی نه تنها از جانب محافل ارتجاعی آن کشور، بلکه از سوی‌بانک های آمریکایی و"سیا" نیزتغذیه‌مالی می‌شوند.

کارزار تبلیغاتی امپریالیستی علیه زیمبابوه

مطبوعات زیمبابوه، تبلیغات امپریالیستی راعلیه این کشورشدیدا محکوم می‌کنند.

روزنامه "صدای خلق زیمبابوه"، در مقاله مشروحی، ضمن بررسی این تبلیغات مغرضانه، اراجیفی راکه‌روزنامه‌نیویورک تایمزدرباره جنگ داخلی درزیمبابوه نوشته بود، به شدت تکذیب‌کرد.

"صدای خلق زیمبابوه" نوشت که نیویورک تایمزودیگرمطبوعات‌امپریالیستی به یک مبارزه تبلیغاتی وسیع و تحریف‌حقایق علیه زیمبابوه دست زده‌اند، واین درحالی است که‌روزنامه‌های امپریالیستی درگذشته حاضرنبودند به جنایات نژادپرستان در زیمبابوه بهیچ وجه اشاره کنند.

ازسوی دیگر زیمبابوه‌اعلام کرد که روابط دیپلماتیک‌خود را با رژیم نژادپرست افریقای جنوبی قطع می‌کند.

سادات به‌نوکری امریکا اعتراف می‌کند

انورسادات، این خائن بی‌همتای تاریخ عرب، درگفتگوئی باعده‌ای از استادان دانشگاه دراسکندریه‌ازیکسو باکمال شجاعت (!) به‌نوکری امریکا اعتراف‌کردوازسوی دیگر برای ایران وافغانستان اشک تمساح ریخت ودست‌همپالکی خود، خاندان آل سعود،را"رو" کرد.

سادات دراین گفتگوا علام‌کرد:

"این من هستم که‌به دنبال‌آمریکا دویدم وبه‌آنها درکشورم پایگاه نظامی دادم. می‌دانید چرا؟ آخرجزآمریکا چه‌کسی باید ازافغانستان دفاع کند، جائی که مردم راقتل عام می‌کنند؟ چه کسی‌باید ازپاکستان وایران دفاع کند؟ به‌من بگوییدچه کسی ازخلیج (فارس) در مقابل تهدیدشوروی(!)دفاع خواهدکرد؟

سادات‌که چند بار اراجیف اربابان امریکائی خودرادرباره به اصطلاح تهدیدشوروی و"آشوبهای داخلی" درمنطقه تکرارکرد، درکنگره‌جنبان اساتید گفت‌که، تسهیلات نظامی (امریکا درمصر) درخدمت‌کشورهای عرب ومسلمان خواهدبود(!) که قربانی "تجاوز" شده‌اند.

انورسادات، دراین کنگره‌دست همپالکی خود ونوکردیگرامپریالیسم آمریکا، یعنی خاندان آل سعود، را "رو" کرد وگفت‌که:

"عربستان سعودی به طور بسیار محرمانه پایگاههای نظامی دراختیار آمریکا قرارداده است."

بدین ترتیب‌گزارش‌های ماه های اخیرمحافل ترقیخواه، مبنی بر اینکه عربستان به پایگاه نظامی بزرگ امپریالیسم آمریکا تبدیل شده، کاملا تائیدمی‌شود.

انورسادات، دراین گفتگو بار دیگر به‌اتحادشوروی اشاره‌کردوگفت:

"فضای روابط دوکشورمصر وشوروی بسیارسرداست"وبرای آنکه‌روابط گرم شود، "شوروی بایدروش‌خودرا نسبت به مصرتغییردهد"(!)

(قابل توجه طرفداران "سازش دوابرقدرت")

دون کیشون دنیای عرب، ازسوی دیگرخشم دیوانه‌وارخودرا از تحکیم مبارزات ضدامپریالیستی خلق های‌عرب نشان دادوگزارشهای مربوط به اتحاد سوریه ولیبی را "کودکانه"خواندوگفت:

"دنیای عرب دست یک مشت بچه قرارگرفته است."

ازنظرخائنی چون سادات‌مبارزات ضدامپریالیستی وآزادی خلقهای عرب ازیوغ امپریالیسم‌وصهیونیسم، البته بازی کودکانه‌است.

فاشیسم خطر بزرگی برای مردم ژاپن است

ازسوی سازمانهای ترقیخواه، دانشجویان، اتحادیه‌های کارگری و روشنفکران انقلابی ژاپن،ماه‌همبستگی باخلق مبارزشیلی برگزارمی‌شود. کمیته همبستگی با مبارزه خلق شیلی قبلا مبارزه موفقیت‌آمیزی رادر اعتراض به سفرپینوشه، جلاد خلق شیلی، به ژاپن ترتیب‌داده بود. امسال این کمیته،ماه همبستگی باخلق شیلی را با همبستگی با مردم ستمدیدهٔ کره جنوبی، که زیربوغ دیکتاتوری دست نشانده آمریکا بسرمی‌برند، وسیاست های فاشیستی داخلی‌وخارجی هیئت حاکمه‌ژاپن ارتباط داده است. این کمیته علیه این سیاست ها درگسترهٔ داخلی و خارجی هشدار داده واعلام کرده‌است‌که فاشیسم خطربزرگی برای مردم ژاپن است.

رویدادهای جهان

امریکا از سیاست مستقل هند خشمگین است

محافل اجتماعی هند خشم ونفرت خودرا ازسیاست امپریالیسم آمریکا در موردا تخاذ تدابیرتجاری تبعیض‌آمیز علیه این کشورابرازمی‌دارند.

امپریالیسم آمریکاکه ازسیاست مستقل هند، به‌ویژه درزمینه محکوم کردن مداخلات بیشرمانه خارجی‌در امور افغانستان وشناسائی دولت قانونی و خلقی کامبوچیا به خشم آمده است، اعلام کرده‌است‌که دربرابرورودپاره‌ای ازکالاهای هند، ازجمله منسوجات‌و غیره، به آمریکا موانعی ایجادمی‌کند.

امپریالیسم آمریکا همچنین تحویل سوخت برای نیروگاه هسته‌ای‌هند را قطع کرده است.

مطبوعات هندنوشته اند که امپریالیسم آمریکا یکبار دیگر چهره کریه خودرانشان داده است‌ودر برابر سیاست مستقل هندازحربه قدیمی و رذیلانه شانتاژ اقتصادی‌استفاده‌میکند.

ازسوی دیگرامپریالیسم آمریکابا همدستی رژیم پکن، به‌تلاشی وسیع‌برای ایجاد ناآرامی درمناطق مختلف هند دست‌زده است. حتی روزنامه‌های آمریکائی، ازجمله روزنامه"بالتیمور سان"، تلویحا به این مداخله‌اعتراف می‌کنند. به نوشته این روزنامه، در جاده کشمیر یک نهضت مقاومت به‌وجود آمده‌است. این گروه با رژیم‌پاکستان روابط نزدیک دارد.

اقدام های اقتصادی تبعیض‌آمیز آمریکا علیه هندیکبار دیگرنشان میدهد که امپریالیسم ها ر آمریکا با هرکشوری که بخواهدسیاست مستقلی رادر پیش گیرد، دشمنی آشتی ناپذیردارد.

مبارزه با بیسوادی در افغانستان به‌شدت ادامه دارد

درپی تعطیلات تابستانی، دانش‌آموزان افغانستان باردیگرتحصیلات خودرا، با امیدفراوانی به‌آتیه، آغاز کردند.

دولت انقلابی افغانستان، با حمایت روزافزون توده‌ها، همراه با پیروزی های درهم شکننده‌عوامل امپریالیسم آمریکا وفئودالهای‌فراری، عزم راسخ داردکه جهل و بیسوادی،این میراث‌شوم دوران سلطه‌چپاولگران و غارتگران، راریشه کن کند.

دکترآناهیتا راتب‌زاد، وزیر آموزش افغانستان اعلام کرد که‌دولت انقلاب صدها مدرسه جدید برای‌تحصیل فرزندان دهقانان و کارگران و دیگر زحمتکشان درسراسرکشورایجادمی کند و برنامه وسیعی برای آموزش‌کادرهای ورزیده تهیه شده است.

وزیرآموزش افغانستان یادآورشد که انقلاب افغانستان دراین زمینه‌به ویژه ازکمک های کشورهای سوسیالیستی برخورداراست. کشورهای سوسیالیستی وسایل آموزش، لوازم‌التحریر وغیره‌در اختیاردولت انقلابی افغانستان قرار می‌دهند. ازسوی دیگرمبارزه بابی‌سوادی باشدت ادامه دارد.

سیاست دولت محافظه‌کار انگلستان، برضد زحمتکشان‌و بسود انحصارات است!

دولت محافظه کارانگلیس، در ادامه سیاست خوددرجهت خدمت هر چه بیشتربه انحصارات، برای به‌اصطلاح صرفه‌جوئی،اقتصادی تصمیم گرفته است که بودجه آموزش‌کشوررادرسال جاری دویست میلیون لیره دیگرکاهش دهد.

دولت مارگارت تاچراین اقدام رابرای مقابله بابحران اقتصادی فزاینده کشور "ضروری"تشخیص داده است. امادر همان حال اعلام شده است‌که بودجه دفاعی انگلیس به رقم بیسابقه ده میلیاردوهفتصد میلیون لیره‌رسیده‌است

انحصارات، اربابان واقعی حزب محافظه کار، بااین همه تقاضا دارندکه ششصدمیلیون لیره دیگربر بودجه نظامی کشوراضافه شود. سیاست شرم آور وریاکارانه دولت تاچربیش ازپیش‌خشم زحمتکشان انگلیس‌رابرمی‌انگیزد.

امریکا به نقش خود علیه انقلاب ایران اعتراف می‌کند

ویلیام ساندرز، مقام برجسته وزارتخانه‌آمریکا، به‌صراحت اعلام‌کرد که به‌خاطر رویدادهای افغانستان و ایران (انقلاب های دوکشور) آمریکا مجبوراست ژاندارم منطقه باشد!

ساندرز بااین سخنان نگرانی عمیق امپریالیسم آمریکا راازگسترش اثرات انقلاب ایران به منطقه ابراز داشت. ساندرزگفت:

"رویدادهای افغانستان و ایران کشورهای منطقه رادرمعرض‌خطر قرار داده‌است."

البته بر همه روشن است‌که منظورازاین کشورهای منطقه، همانا رژیم‌های ضدخلقی ودست‌نشانده آمریکا درمنطقه‌است. رژیم‌هائی مانند رژیم قابوس، ملک‌خالد، صدام، سادات، ضیاءالحق و غیره.

مقام آمریکائی تلویحا به نقشی که ازجانب‌امپریالیسم آمریکا به خاندان‌آل سعود، درموردبه‌عهده‌گرفتن نقش ژاندارم منطقه محول شده، اشاره کردودرعین حال نگرانی خود را از گسترش مبارزات نیروهای آزادیخواه عربستان علیه این خاندان سر سپرده ابرازداشت.

ساندرزمی‌گوید: "لازم‌است عربستان وهمسایگان آنرا ازیک نیروی دفاعی مناسب برخوردار ساخت!"

اعترافات ساندرز درموردهدفهای جنایتکارانه امپریالیسم‌آمریکا علیه انقلاب ایران و افغانستان تردیدی باقی نمی‌گذارد، وسازشکارانی را که تدارکات جنگی آمریکا رادرمنطقه، با بازداشت جاسوسان آمریکائی، ارتباط می‌دهند، به‌خوبی افشاء می‌کند.

همکاری نظامی ژاپن و امریکا گسترش می‌یابد

دولت ژاپن بیش از پیش به‌ارابه سیاست های امپریالیسم امریکا وناتو بسته می‌شود.

۸کشتی جنگی انگلیسی قرار است واردبندریوکوهوماشوندوهمراه با کشتی‌های جنگی ژاپن، مانورهای‌مشترک انجام دهند. این مانورها مقدمه همکاری گسترده‌ترژاپن با پیمان‌نظامی ناتوتلقی شده است.

اعتصاب‌غذای زندانیان فلسطینی ادامه دارد

یک زندانی سیاسی دیگرفلسطینی،که درزندان صهیونیستها درشهر اشکلون دست‌به‌اعتصاب غذازده‌بود، درگذشت. در هفته‌های اخیرچندزندانی سیاسی فلسطینی در زندانهای صهیونیست‌ها کشته‌شده‌اند. چندهفته‌است اعتصاب غذای عده‌ای از زندانیان سیاسی فلسطین درزندانهای صهیونسیست‌ها ادامه دارد.

تدارکات نظامی امریکا درخلیج فارس

امپریالیسم آمریکا به‌سرعت برای‌یک ماجراجوئی نظامی خطرناک در خلیج فارس‌آماده میشود. تمرین های چند هفته‌ای "نیروهای واکنش‌سریع"درایالت آیداهودرآمریکا، درشرایطی شبیه به شرایط خلیج فارس به‌پایان رسید. هم اکنون بیش از سی ناوجنگی آمریکائی باچندهزار تفنگداردریائی وسیصدفروند هواپیما درنزدیکی آبهای منطقه به‌سر می‌برند.

ازسوی دیگرامپریالیسم‌آمریکا به سرعت‌سرگرم تقویت‌پایگاه‌تجاوزی خوددردیگوگارسیا است، تابتواندد ر صورت‌لزوم ظرف‌سه روزسی نفر تفنگدار دریائی ازاین پایگاه در خلیج فارس‌پیاده کند.

تقویت اتحاد همه‌نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

از تعطیل دانشگاهها قبل از همه و بیش از همه فرزندان طبقات و اقشار کم درآمد زیان می‌بینند

مسئلهٔ انقلاب فرهنگی، که اصولاً از نخستین ایام پس از پیروزی انقلاب مطرح بوده، در ماههای اخیر حدت و شدت خاصی کسب کرده، و در ارتباط با آن مسئلهٔ تعطیل دانشگاهها مطرح گردیده است.

قبل از اینکه وارد موضوع موردنظر، یعنی بحث در اطراف اجرای صحیح انقلاب فرهنگی بشویم، لازم میدانیم بار دیگر موافقت خود را با لزوم انقلاب فرهنگی و ضرورت پاکسازی فرهنگ میهن خود از کلیهٔ فسادها و پلیدیهای غربزدگی و وابستگی و طاغوتی اعلام کنیم.

هیچ انقلابی بدون ایجاد انقلاب در فرهنگ جامعه نمی‌تواند زنده بماند و به پیروزی نهائی برسد. فرهنگ و اصول آموزشی، که از رژیم منفور سابق برای ما بارث‌مانده، یك فرهنگ و آموزش طبقاتی است، که به موقع خود برای در بند کشیدن جسم و روح مردم ایران و موجودیت کشور، ایجاد و برخلق ما تحمیل گردیده است. ما باید این فرهنگ و آموزش فاسد را زیر و زبر سازیم و بر اساس اصول و استقلال و آزادی و خدمت به کوخ‌نشینان و رهائی جامعه از چنگال کاخ‌نشینان، فرهنگ نو و آموزش نو بوجود بیاوریم.

و اما این تدبیر حیاتی و ضروری را چگونه باید انجام‌داد، تا عملا بسود ضدانقلاب منجر نشود و از نیت خیر نقض غرض حاصل نگردد؟

د راین مقال کوتاه امکان بحث دربارهٔ همهٔ جوانب مطلب وجود ندارد. همچنین برای توضیح این واضح، که بدون ایجاد تحول بنیادی درزیربنای جامعه، یعنی مناسبات اجتماعی ـ اقتصادی و سلب اقتدار اقتصادی و سیاسی ا زسرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ و کلیهٔ اقتدار و طبقات طاغوتی، بدو ن‌ایجاد تحول در مناسبات مالکیت و مناسبات تولیدی ،طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و تغییر بنیادی در نسج اجتماعی جامعهٔ ایران، انقلاب فرهنگی واقعی امکان‌پذیر نخواهد بود، نیازی نمی‌بینیم.

و اما دربارهٔ مسئلهٔ مورد نظر این مقال، اجرای صحیح انقلاب فرهنگی و بطور مشخص مسئله تعطیل دانشگاهها، که به یکی‌از حادترین مسائل جامعهٔ انقلابی ما مبدل گشته، باید بگوئیم که‌باید همهٔ عواقب این کار را از حالا بروشنی دید و با علم به ابعاد مسئله تصمیم گرفت و عمل کرد.

تعطیل دانشگاهها حداقل پی‌آمدهای زیر را خواهد داشت:

۱ـ بسیاری‌از کسانی که‌امکان مالی دارند، (یعنی طبقات مرفه)، خواهند کوشید فرزندان خود را برای تحصیل به‌کشورهای‌خارجی بفرستند و د رمقابل، فرزندان کسانی که امکان چنین کاری را ندارند، (یعنی طبقات پائین و پائین‌تر جامعه) از امکان تحصیل محروم خواهند ماند. یعنی، ما در حالیکه برای نجات ازفرهنگ فاسد استعماری، تصمیم به‌اجرای انقلاب فرهنگی گرفته‌ایم، عملا سبب میشویم تا عدهٔ بیشتری‌پسر و دختر ایرانی در چنگال‌مراکز آموزشی غرب و کانونهای فرهنگ غرب اسیر شوند، واین نقض غرض است.

چنین وضعی همچنین سبب خواهد شد که بهمراه دانشجو، مبالغ هنگفت‌دیگری ارز خارجی از صندوق غارت‌شده کشور ما و بعنوان هزینه تحصیلی به‌کشورهای سرمایه‌داری و درنوبت اول آمریکا سرازیر شود. هم‌اکنون درآمریکا قریب۵۰هزاردانشجوی ایرانی زندگی میکنند که سالانه برای کشور ما در حدود ۵۰۰ میلیون دلار هزینهٔ ارز خارجی به بار می‌آورد. با رفتن هر دانشجو به خارج، هر سال در حدود ۱۰ـ ۱۵ هزار دلار بار ارزی جدید برای جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌اید. و این در حالی است که ما باید قدر هر دلار ارز خارجی را بدرستی بدانیم.

۲ـ درصورتیکه تعطیل دانشگاه‌ها بدرازا کشد، عملا چنین خواهد شد که جوانانی که به کشورهای امپریالیستی رفته و در آنجا تحصیل کرده‌اند و خواهند کرد، با همان رسوبات فرهنگ فاسد امپریالیستی بایران بازخواهند گشت و امور اقتصادی و فنی و غیره را بدست خواهند گرفت. ولی جوانانی که در داخل کشور از امکان تحصیل محروم مانده‌اند، بعلت نداشتن تخصص مصدر امر، سهمی نخواهند بود. یعنی عملا مدت دیگری باز کار د ردست کسانی خواهد بود که با فرهنگ فاسد امپریالیستی تربیت شده‌اند.

گفته میشود که پس‌از تعطیل دانشگاهها، دانشجویان و جوانان برای کار در جهاد سازندگی و بسیج و غیره کسیل خواهندشد. البته، این‌خودتدبیر تربیتی‌بسیار مهمی است، زیرا که سیل عرق ناشی از تلاش و زحمت بر جبین، عقل و وجدان را صیقل میدهد و گروه‌های آیله بر دست، رشته مسلك و عقیده را استحکام می‌بخشد. آشنائی نزدیك با رنجها و آلام کوخ‌نشینان خود مکتبی است آموزندهٔ راه زندگی شرافتمندانه. ولی با وجود همهٔ اینها، کسی که از تحصیل و کسب تخصص محروم بماند، نمی‌تواند در اداره تکنولوژی و اقتصاد بغرنج امروزی، آنهم در کشورما، که با یك اقتصادمریض و معیوب‌و ورشکست، درجستجوی راه نجات است، موضع کلیدی داشته باشد، هر چند هم متصف به تقوا و دیگر صفات عالیهٔ انسانی باشد.

۳ـ مسئله مهم‌دیگر، سوء ـ استفاده‌ای است که ضدانقلاب‌از این وضع خواهد کرد. ضدانقلاب خواهد کوشید تا تعطیل‌دانشگاهها را به‌دست‌آویزی‌جهت‌اخلال علیه جمهوری‌اسلامی ایران‌مبدل سازد.

با تعطیل دانشگاهها هزاران دانشجو و استاد و دهها هزارنفر از اولیا و نزدیکان آنها مورد سوءاستفادهٔ‌محرکین‌و خرابکاران قرار خواهند گرفت، که عواقب آنرا نمی‌توان پیش‌بینی کرد. اعزام دانشجویان به جهاد سازندگی و دیگر امور تولیدی و غیره این خطر را از میان نخواهد برد ـ بویژه در شرایطی که ما نه تنها امسال، بلکه سالیان دیگری نیز همواره در معرض تحریك و توطئه و تجاوز و دستبرد امپریالیسم آمریکا قرار خواهیم داشت.

بدین ترتیب: **اولا** ـ انقلاب فرهنگی لازم و واجب و تاخیرناپذیر است. **ثانیاً** ـ تعطیل دانشگاهها بمنظور اجرای انقلاب فرهنگی، راهی است که معایب و زیانها و مخاطرات مذکور در فوق را دربر دارد.

ما معتقدیم که در اصول آموزش بسیاری از رشته‌های علم و تقریبا درهمهٔ علوم دقیقه، از قبیل علوم مربوط به صنعت، فیزیك،شیمی،ریاضیات، پزشکی، معماری و غیره در همین مدت تعطیلات تابستان، ایجاد تحول مترقی امکان‌پذیر بوده و هست. می‌توان از سال تحصیلی جدید این رشته‌ها را بصورت جدید، با برنامهٔ جدید و انقلابی ادامه داد. برنامه علوم اجتماعی ازقبیل تاریخ، فلسفه، اقتصاد، ادبیات، حقوق و غیره را هم که علومی است عمیقاً طبقاتی و درنتیجه‌نیاز به بازسازی بنیادی دارد، باید در اسرع وقت تنظیم کرد و نگذاشت، تعطیل این دروس به درازا کشد.

جامعه بشری بسرعت در راه ترقی علم و صنعت به پیش میرود. آنچه ما باید از فرهنگ خود بزدائیم‌فرهنگ استعماری، طاغوت‌زدگی، فساد، روحیهٔ سودپرستی و وابستگی است. اجرای این تدابیر باید بصورتی باشد که د راسرع اوقات کشور ما را به‌درجه خودکفائی، چه از لحاظ تولید و چه از لحاظ کادر و تکنولوژی برساند. باید برای اجرای هرچه سریعتر و هرچه عمیقتر انقلاب فرهنگی راههای معقول‌تر و انقلابی‌تری پیدا کرد.

چه نیروئی مانع تأمین امنیت قضائی است؟

تامین امنیت قضائی، امروز بصورت‌یکی ازحاد ترین مسائل انقلاب ایران در دوران گذاروسازندگی درآمده است. فقدان‌امنیت قضائی بحق همه را، از امام‌خمینی گرفته تا مردم کوچه وبازار، نگران‌ساخته است. حقیقتاهم‌جامعه‌ای که در آن امنیت قضائی وجود نداشته باشد، دوام نخواهد آورد و بی‌تردید متلاشی خواهد شد.

فقدان امنیت قضائی، یکی از مهمترین عوامل سقوط نظام شاهنشاهی بود. در داخل‌این‌نظام استبدادی، نه‌تنها مردم عادی، بلکه حتی ثروتمندان وصاحبان نفوذ هم امنیت قضائی نداشتند. کافی بودوالاحضرتی، والاگهری، چشم طمعش به‌شرکت سودآوری یا زمین حاصلخیزی بیفتد، تا چرخ‌تمام قوانین کشور برای‌تامین خواست او درعکس‌جهت‌بحرکت درآید. از امنیت سیاسی، اخلاقی و حیثیتی در آن نظام جهنمی، که مخالفان رژیم رادرخیابانها به‌آتش می‌بستند، به میهن‌دوستانی چون روزبه و سیامك تهمت جاسوسی میزدندو روحانیان‌مبارزیاك‌سرشتی چون امام خمینی و آیت‌الله طالقانی را به زندان و تبعیدمی‌فرستادند، سخنی نمیگوئیم.

رژیم شاهنشاهی چون سلب امنیت قضائی از جامعه‌نمیتوانست به حیات خود ادامه دهد، زیرا در مردم ریشه‌ای نداشت و اعمال‌زور (نه رعایت قانون) یگانه وسیله بقای آن بود. حکومت قانونی (حتی قانونیکه همان مجلس فرمایشی‌وضع‌میکرد) دست ویال «خاندان‌جلیل‌سلطنت!»ووابستگان بدربار ننگین پهلوی را در غارت و دزدی می‌بست. سلب امنیت قضائی، بهترین وسیله این‌غارت و دزدی بود.

جمهوری اسلامی ایران، باآن سرشت مردمی و پایگاه گسترده اجتماعی خویش، نیازی به‌محدود کردن امنیت‌قضائی‌توده‌های مردم ندارد. اما می‌بینیم که در آن، با کمال تاسف، فقدان امنیت‌قضائی بشدت احساس میشود و فکرهمه را نیز بخود مشغول کرده است.

برخی علت عدم وجود امنیت قضائی را نابسامانیهای بعد از انقلاب میدانند. این درست، اما نابسامانیهای‌بعد ازانقلاب‌ضرورت ناگزیر نداشت. بویژه دوام ان توجیه‌ناپذیر است. ما میتوانستیم این نابسامانی‌ها را با تکیه‌بر خصلت خلقی و مردمی انقلابمان بزودی ازمیان برداریم و امنیت قضائی را بر سراسر کشورمستقر سازیم، و اگر تاکنون این مهم انجام نگرفته ونقض امنیت‌قضائی بسطحی رسیده است که بگفتهٔ مسئولان‌امر، نظم‌جمهوری‌اسلامی ایران را تهدید میکند، گناه ان را باید در عملکرد کسانی یافت که در این نوزده ماه پس از انقلاب، هرگونه هرج و مرج را به‌نام «مردم» تبرئه و حتی ازآن پشتیبانی کرده‌اند.

دریك جامعه انقلابی‌خواست مردم باید بصورت‌قوانین‌ومقررات انقلابی لازم‌الرعایه برای همگان درآید و تمام نهادهای انقلابی انرا بدون‌کم وکاست‌اجرا کنند. تن‌دادن‌به گرایشهای آنارشیستی گروههائیکه خود بنام «مردم» تصمیم میگیرند و امنیت‌قضائی فرد فرد مردم وسازمانهاوگروهها و احزاب سیاسی و آزادی‌های تضمین شده درقانون اساسی را به مخاطره می‌افکند، هموار کردن راه برای پیشروی‌ضدانقلاب‌است.

اگر انقلاب‌ماتوانست بر جو آنارشیستی ناشی از عدم تشکل فائق اید و هنوز هم هرگروهی برای خود سازی‌می‌زند، علت‌انرا باید در مسامحه وغفلت مسئولان امور در سازماندهی انقلابی‌جامعه دانست.

تشکیل سیستم اداره شورائی، که میتوانست در هر ده، شهر، شهرستان و استان یك مرکز نیرومند متکی به‌توده‌های مردم بوجود بیاورد و تمام نهادهای انقلابی را نیز در سیستم‌واحدی زیر نظارت شورا بخدمت مردم بگمارد، بی‌هیچ‌دلیل‌منطقی‌ومعقولی عملامعوق ماند. شوراهامیتوانستند فعالیت تمام ادارات و نهادهای انقلابی را در منطقه و در سطح کشورهماهنگ کنند، جلوی سوء استفاده‌های گروههای قدرت‌طلب رابگیرند، امنیت قضائی رابرقرار کنند، درپیش‌برد برنامه‌های اقتصادی نقش موثر ایفا نمایند، توده‌های مردم را بوظایفشان‌آشنا سازند و جامعه را بسوی تشکل انقلابی سوق دهند، بجدائی بین مردم و دولت، که طی قرنهای متوالی شکل گرفته است، پایان گذارند و بتدریج جامعه‌ای یکپارچه بوجود آورند، که درآن زمینه اجتماعی برای نقض‌امنیت قضائی اصلا وجود نداشته‌باشد.

نقض امنیت قضائی، که امروز یکی از بزرگترین بیماریهای جامعه ماست، تنها یك‌خودسری آنارشیستی نیست. گاهی نقض امنیت قضائی ریشه‌های عمیق‌تری دارد. علاوه‌بر گروه های آنارشیستی، گروههای دیگری نیز وجود دارند که آگاهانه‌امنیت قضائی را، با علم و وقوف‌به‌عواقب اجتماعی آن نقض میکنند. هدف آنان بیش‌از آنکه تعرض به امنیت قضائی در قلمرو حقوق‌فرد باشد، تهاجم به حریم امنیت قضائی در زمینه حقوق اجتماعی و سیاسی در جامعه است. هرچند نقض امنیت قضائی فرد نیزموجب عدم ثبات و بروز نارضائی وتشنج در جامعه میگردد، اما انچه ثبات جامعه را یکلی درهم میریزد و موجب بروز طوفانهای اجتماعی میشود، تعرض به حقوق سیاسی‌و اجتماعی توده‌هاست. نقض امنیت قضائی در اینمورد اغلب از ناحیه گروههای ضدانقلاب وسازمانهای جاسوسی‌دشمن‌سازمان‌داده‌میشود و جزئی از نقشه کلی ضدانقلاب داخلی و خارجی برای عمیق‌تر کردن‌اختلافات‌درون‌جامعه، بسود برنامه‌های آینده آنان است.

چشم‌پوشی از اعمال کسانی که خواه بدلیل تمایلات آنارشیستی و انحصارگرایانه، خواه بعلت عدم آگاهی و خواه آگاهانه به قصد تخریب و ایجاد جوانفجار به حریم امنیت قضائی فردی و اجتماعی مردم تعرض‌میکنند، عواقب وخیمی برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌دربردارد.

جمهوری اسلامی ایران دارای قانون اساسی است. در این‌قانون حقوق وآزادیهای‌فردی واجتماعی مردم ایران تضمین شده است. چگونه‌میتوان‌اجازه‌داد که گروهی، بهر دلیل که‌عنوان میکند، قانون اساسی رازیرپابگذاردوخودسرانه اماکن و سازمانها و حتی‌ادارات دولتی را اشغال کنند؟ این گروهها کیستند که خود رابجای‌ارگانهای رسمی دولتی میگذارند و وظایف آنانرا بعهده‌میگیرند، خودبرخلاف قانون اساسی کشور، «قانون» صادرمیکنند و خود آن‌قانون را اجرا میکنند؟

کسانی که مردم را به قانون‌شکنی و بی‌اعتنائی‌به‌قوانین حکومت جمهوری اسلامی تشویق میکنند، باکسانی که درکردستان سلاح دردست گرفته، باحکومت مرکزی می‌جنگند چه‌فرقی‌دارند؟ اینها و آنها هر دو میگویند حکومت مرکزی انقلابی نیست و ما باید خودمان مستقلا عمل کنیم. کسانیرا که در کردستان برضد حکومت‌مرکزی میجنگند، ما ضدانقلاب می‌نامیم. برکسانیکه‌خودسرانه‌وظایف‌دولت رابعهده میگیرند، چه نامی‌باید نهاد؟

امام خمینی، رئیس‌جمهور، دادستان کل کشور،رئیس‌دیوان عالی کشور، وزیرکشور،دادستان کل انقلاب وسایرمسئولان‌دولتی، همه نقض امنیت قضائی‌را محکوم میکنند.

پس چه چیز مانع از آنست که این ناقضان امنیت قضائی را سرجای خود نشاند و به «دولت» آنان در دولت جمهوری اسلامی ایران پایان داد و این بمب خطرناك را، که در قلب‌جمهوری اسلامی‌ایران بکار گذارده‌اند، خنثی کرد؟ کدام‌جامعه‌ای میتواند بدون امنیت قضائی سرپا بماند، بخصوص‌جامعه‌ای که‌دربرابر توطئه امپریالیسم حیله‌گر و خونخوار و ضدانقلاب پروردهاش قرار گرفته است؟

دستگیری سه توده‌ای در بندر دیلم بعلت کشف نشریات یك سازمان سیاسی دیگر!

سه‌تن از هواداران حزب تودهٔ ایران در بخش بندر دیلم، به‌اسامی **اسماعیل حسنی، علی صدیق و نعمت‌الله‌هاشمی** به‌جرم «توقف در محل اختفای نشریات یك سازمان سیاسی دیگر!» توسط سپاه پاسداران این منطقه دستگیر شدند!

براساس اطلاع رسیده، افراد سپاه پاسداران در چندقدمی دو دانش‌آموز هوادار حزب توده ایران، تعدادی نشریه «کار» از زیرخاك بیرون می‌آورند، و ظاهرا چون دودانش‌آموز مزبور از سایر کسانی که از آن نقطه رفت و آمد می‌کردند، به محل مزبور نزدیك‌تر بودند(!) مدعی می‌شوند که این‌نشریات به دو دانش‌آموز هوادار حزب توده‌ایران تعلق دارد. علیرغم تذکر دانش‌آموزان مبنی‌براینکه آن‌ها هوادار حزب توده ایران هستند و ارتباطی با نشریات مذکور ندارند، افراد سپاه آن‌ها را به منظور بردن به سپاه دستگیر می‌کنند. دراین موقع یکی‌دیگر از هواداران حزب تودهٔ ایران، که درمحل حضور داشته است، به این‌عمل اعتراض می‌کند، که او را نیز دستگیر و روانهٔ زندان می‌کنند!

به‌دنبال این ماجرا، مسئولین حزبی‌در منطقه، به منظور رفع سوء ـ تفاهم و اعلام عدم ارتباط دستگیرشدگان با سازمانی که نشریات‌بدست‌آمده متعلق به آن است، به‌سپاه پاسداران مراجعه کردند. لیکن مسئولین سپاه پاسداران بندر دیلم نه‌تنها به‌توضیح آن‌ها توجه‌نکردند بلکه‌باصدوراعلامیه‌ای درسطح شهر، علاوه‌بر نسبت‌دادن تهمت‌های‌ناروا به حزب تودهٔ ایران، کوشیدند تا رفقای ما را عناصر مجرم جلوه دهند.

ما ضمن اعتراض به این عمل، از دادستانی انقلاب بوشهرمیطلبیم که‌هرچه سریعتر به‌این عمل غیرقانونی رسیدگی کند و دستگیرشدگان را آزاد سازد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نامه «مردم» روز دوشنبه ۱۷ شهریور ۵۹، بمناسبت سالگرد جمعهٔ خونین منتشر نمیشود

رادیو، از زبان کیهان، علیه حزب توده ایران؟!

صدای جمهوری اسلامی ایران، که اخیرا نقش‌فعالتری درآگاهسازی مردم علیه دشمن‌اصلی انقلاب‌ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا بعهده گرفته ـ که مورد تایید و تحسین است ـ متاسفانه باردیگر در برنامه «بررسی مطبوعات» دیروز خود، از زبان ارگان لیبرالهای ایران، یعنی روزنامهٔ کیهان، حزب توده ایران‌را بباد دشنام و افترا گرفت.

صدای جمهوری اسلامی ایران در شرایطی نزدیك به یکساعت از برنامهٔ خود را به قرائت دشنامها و اتهام‌های کیهان علیه حزب توده ایران اختصاص داد، که مبارزه‌مردم انقلابی کشور ما علیه امپریالیسم آمریکا، متحدان و وابستگانش به نقطه‌ای حیاتی و تعیین‌کننده رسیده است و ضرورت تامین اتحاد کلیه نیروهای پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بیشتر از پیش حدت و فوریت یافته است.

در چنین شرایطی حمله‌بپشتیبان صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، یعنی حزب توده ایران، از زبان کیهان، امری است تاسف‌آور که به مصالح انقلاب ایران زیان میرساند.

ما ضمن تایید تحولات مثبت اخیر در صدای جمهوری اسلامی ایران‌در جهت تقویت جنبهٔ ضدامپریالیستی برنامه‌های این ارگان مهم‌تبلیغاتی، خواهان قطع این گرایش دشمن‌شادکن و تفرقه‌انگیز علیه حزب توده ایران هستیم.

اعتراض هواداران حزب‌توده‌ایران درماسال وشاندرمن به‌اعمال نفاق‌افکنانه

هواداران حزب توده ایران در ماسال وشاندرمن،باصدوراطلاعیه‌ای، ضمن اعتراض به اعمال نفاق‌افکنانه عوامل آگاه و ناآگاه در این‌منطقه، خواستار اتحاد مردم و نیروهای انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، شدند.

در این اطلاعیه، که به‌دنبال‌پخش تراکت‌های بی نام و نشان در شهر مبنی‌بر مبارزه‌علیه‌توده‌ای‌هازیر نقاب «اسلام»، صادر شده، آمده است:

«جبههٔ واحد ضدانقلاب در تمام عرصه‌ها مشغول جولان‌دادن و خرابکاری و کشتار نیروهای‌انقلابی است. ضدانقلاب درصددایجادپایگاه ونفاق‌اندازی بودموهست، ومتاسفانه دربعضی از عرصه‌ها موفق‌هم شده است.

جای تعجب و تاسف است که علیرغم فراخوان تاریخی امام‌خمینی و هشدارهای مکررحزب توده‌ایران، که همه نیروهای انقلابی، صرفنظر از داشتن‌اختلافات گوناگون‌مسلکی، عقیدتی، مذهبی، باید در جبهه‌متحد خلق بسیج شوند، تاضدانقلاب‌متشکل را نابودسازند، متاسفانه برخی از مسئولان محلی نه‌تنها به پدیده بسیار خطرناك تفرقه وتفرقه‌افکنی بهانمی‌دهند بلکه‌آگاهانه‌یاناآگاهانه به نفاق و درگیری در درون جبهه متحد خلق کمك میکنند. نمونه بارز این عدم‌درك مسئولیت، درمنطقه ماسال و شاندرمن مشاهده میشود.

در شرایط حساس کنونی، که خطر وقوع کودتائی آمریکائی‌وجود دارد، عوامل ناآگاه، در مناطق‌ماسال و شاندرمن با برگزاری سخنرانی درمسجدها و پخش تراکتهای بی‌نام و نشان در مورد آموزش و پرورش و دعوت اولیاء دانش‌آموزان به مسجد ماسال، جهت گرفتن امضاء «علیه توده‌ایها»، زیر نقاب «اسلام» و «دفاع از جمهوری اسلامی‌ایران» عمل میکنند.

هدف از ایجاد تشنج و جو رعب و وحشت، کشاندن نیروهای‌انقلابی، بویژه حزب توده ایران به جنگ طایفه‌ای، و نهایتا منع فعالیت‌آزادانه حزب تودهٔ ایران در منطقه است.

ما هواداران حزب توده ایران‌به مقامات مسئول محلی هشدارمیدهیم که، ازهم‌اکنون باید جلو این جو متشنج را، که‌بی‌شك بنفع‌امپریالیسم آمریکا وکودتاچیان است، بگیرند، تا ضدانقلاب نتواند با ایجاد نفاق در صفوف متحد خلق به‌دستاوردهای انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی‌ایران برهبری امام خمینی‌بی‌رحمانه یورش آورد و آن را نابود کند.»

در پایان اعلامیه آمده است:

ما هواداران حزب توده ایران‌در ماسال و شاندرمن، تمام نیروهای راستین انقلابی را به‌صبر وبردباری دعوت می‌کنیم و خواستاریم که با هشیاری تمام، نه‌تنها متوجه دام گستردهٔ نیروهای‌تشنج‌آفرین باشند، بلکه شدیدا از درگیری‌های لفظی‌و بحثهای خیابانی، که به‌این جوکمك میکند، پرهیز کنند، تا بتوانیم با اتحاد همه نیروهای راستین خلق، ضدانقلاب و نیروهای تشنج‌آفرین‌را افشاء و رسوا کنیم. بخصوص آنکه اینك در آستانه برداشت محصول هستیم و شدیدا به هشیاری وآماده باش نیازمندیم، زیراهرگونه‌اختلاف باعث رکود در برداشت محصول زحمتکشان می‌شود، که نتیجتا به نفع امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست.

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر هزاری

خیابان ۱۶ آذر شمارهٔ ۶۸

(دفتر نامهٔ «مردم» هنوز در اختیار نامهٔ «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 327
7 September 1980

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

حزب‌توده‌ایران ـ سازمان ایالتی‌خوزستان خواستار اتحاد مردم درمبارزه با امریکا شد

پاسداری توده‌ای از مراکز مهم تولیدی و غیر تولیدی را سازمان دهید

حزب توده ایران ـ سازمان ایالتی خوزستان، ضمن صدور بیانیه‌ای، با اشاره به گسترش فعالیت وابستگان امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی در این‌منطقه‌ازمردم‌خواست تا «برای **مقابله با نقشه‌های شیطانی امپریالیسم‌آمریکا و ضدانقلاب‌داخلی متحد شوند.»**

. د راین بیانیه ضمن اشاره به **«روزگار پر ستم و خونین سلطه خاندان فاسد پهلوی»** و شکوه انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و خلقی‌ایران به‌رهبری **امام‌خمینی**، از جمله آمده است:

«بیاد آورید که ضدانقلاب داخلی و خارجی، به‌رهبری امپریالیسم آمریکا، برای شکست انقلاب ایران به چه نیرنگها، توطئه‌ها و تبهکاریهای جنایت‌کارانه متوسل‌شدوفراموش‌نکنید که ضدانقلاب درست در مواقعی موفق به پیاده کردن نقشه‌های خود شده است که نفاق و رویارویی خصمانهٔ‌نیروهای داخلی وفادار به انقلاب توسط عوامل ضدانقلاب به اوج خود رسیده است.»

در دنباله بیانیه می‌خوانیم:

«در این لحظات حساس سرنوشت ساز، حزب توده ایران، همانطور که در گذشته نشان داده است، چاروش اتحاد ومبارزهٔ هشیارانهٔ مردمی‌و ضدامپریالیستی و دفاع از دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

حزب تودهٔ ایران ـ سازمان‌ایالتی خوزستان در این برههٔ زمانی دوراناز تاریخ ایران، همهٔ مقامهای مسئول جمهوری‌اسلامی ایران‌در خوزستان را به اهمیت شرایط کنونی توجه می‌دهد و جدا می‌خواهد که براساس مشترکات مبتنی بر عالیترین مصالح توده‌های میلیونی زحمتکشان شهر و روستای کشور، یعنی حفظ دستاوردهای انقلاب‌و جمهوری اسلامی ایران از تجاوز و دستبرد امپریالیسم و قلع وقمع ضدانقلاب داخلی، توده‌های زحمتکش شهر و روستا را بسیج و مسلح کنند، پاسداری‌توده‌ای از نقاط و مراکز مهم تولیدی‌و غیرتولیدی را سازمان دهند و با تکیه بر بسیج همه‌جانبهٔ توده‌ها، هرگونه توطئهٔ ضدانقلاب را در نطفه خفه کنند و با تلاش برای نوسازی بنیادی اقتصاد، صنعت کشاورزی، فرهنگ، ارتش و بهداشت و از میان‌بردن مهمترین مشکلات زندگی زحمتکشان و در راس آنها بیکاری، گرانی، عدم بهداشت و نامیسر بودن خدمات درمانی و فرهنگی،پایگاه اجتماعی‌انقلاب را حفظ ومستحکم کنند و از هر سیاستی که در مدیریتها به سبب تصمیم‌گیری‌های پیش از موقع، شتابزده و عاری از رعایت نظرخواهی از نمایندگان زحمتکشان، فقط به تشدید نارضایی‌ها کمك می‌کند و زمینهٔ مساعدی برای تبلیغات سوء ضدانقلاب فراهم می‌سازد، جداً خودداری کنند.

سپاه پاسداران انقلاب، جهاد سازندگی، صدا و سیمای‌جمهوری اسلامی ایران،مساجد، کارگاهها و مدارس می‌توانند و باید که‌به نقش و وظیفهٔ انقلابی خود در زمینهٔ بسیج و آموزش نظامی توده‌ها و ایجاد آمادگی رزمی برای درهم کوبیدن کامل هرگونه تجاوز و توطئهٔ امپریالیسم عمل کنند.

«هیچ نیروی انقلابی و مترقی را نباید از مبارزه برای حفظ جمهوری اسلامی ایران و مقابله با توطئه‌ها وتجاوزات امپریالیسم و ضدانقلاب باز داشت. نه‌تنها حالا، بلکه هیچ زمان دیگر مماشات ازفعالیت حزب‌تودهٔ‌ایران‌و سایر نیروهای راستین ضد امپریالیست بسود انقلاب ایران نیست و نخواهد بود.

حزب تودهٔ ایران بابهره‌گیری از تجربهٔ مبارزهٔ طولانی خود در جنبش کارگری‌وضدامپریالیستی ایران وتاریخ‌جنبش‌جهانی کارگری وضدامپریالیستی عالیترین مصالح وسیعترین توده‌های میلیونی مردم‌ایران را پاسداری‌از جمهوری اسلامی ایران از راه اتحاد همهٔ نیروهای ضدامپریالیست ایران‌و همبستگی با همهٔ نیروهای ضدامپریالیست جهان می‌داند.

حزب توده ایران ـ سازمان ایالتی خوزستان،علیرغم‌دشواری‌هایی که برسر راه فعالیت‌قانونی و آزاد آن وجود دارد، باهمین بینش علمی، ازدستاوردهای‌انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌صمیمانه حمایت‌می‌کند و باهرگونه تلاش جنایت‌آمیز پنهان و آشکار امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم بعث عراق و ضدانقلاب داخلی، که برای شکست انقلاب ایران صورت می‌دهند، با همهٔ نیرویش مبارزه می‌کند و برای نیل به‌این هدف، در راه اتحاد همهٔ نیروهای ضدامپریالیست در جبهه‌ای متحد و مردمی به رهبری **امام خمینی** از صرف هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند.»

رفیق‌پرویز صادقی آزاد شد

اطلاع یافتیم که رفیق پرویز صادقی‌مسئول سازمان حزب توده ایران در کرمانشاه که بی‌دلیل بازداشت‌شده بود آزادشده‌است.

ما ضمن‌تائید این اقدام‌خواهان بررسی علل بازداشت بی‌دلیل‌این رفیق مبارز ومجازات‌قانون‌شکنان هستیم.

محمدقلی پناهی وحدت آزاد شد

بدنبال انتشار خبر دستگیری معلم مبارز نظرآباد هشتگرد، **محمد قلی‌پناهی وحدت**، درشماره مورخ ٤ شهریور ۵۹ نامهٔ «مردم»، اطلاع یافتیم که دراثر برخورد اصولی و منطقی سپاه پاسداران کرج و دادستانی انقلاب این شهرستان، نامبرده آزادگردیده است، که‌متاسفانه بعلت دراشغال بودن دفتر نامهٔ «مردم»، این خبر دیر بدست ما رسید.

اقدام بجا و صحیح نهادهای انقلابی درمورد آزادکردن **محمد قلی‌پناهی وحدت**،موجب‌خوشحالی است.

نامه‌آقای‌محمود‌اعتمادزاده(به‌آذین) صاحب‌امتیازومدیرروزنامهٔ‌اتحادمردم، به دادستان کل انقلاب، در اعتراض به‌اشغال دفتراین‌روزنامه توسط‌افراد غیر مسئول

رونوشت نامه آقای محمود اعتماد زاده «به‌آذین» صاحب امتیاز و مدیر روزنامه «اتحاد مردم» به‌دادستان کل انقلاب، در اعتراض به اشغال دفتر این روزنامه توسط افراد غیرمسئول، به نامهٔ «مردم» رسیده است، که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد:

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای علی قدوسی دادستان کل‌انقلاب

به‌اطلاع آن مقام محترم می‌رساند که، صبح امروز پنجشنبه ۱۳ر۶ر۱۳۵۹، هنگامی که اعضای دفتر روزنامهٔ «اتحاد مردم» ـبمدیریت اینجانب محمود اعتمادزاده «به‌آذین» و سردبیری آقای‌محمدتقی‌برومند ـ برای شروع کار هرروزه‌شان به محل این نشریه، واقع درخیابان‌سزاوار، کوچهٔ جاوید ۲، شمارهٔ ۱۸۹، رفتند، آنجا را در اشغال اشخاصی‌یافتند که مدعی عضویت در حزب‌الله هستند. این حضرات که متاسفانه‌سابقهٔ متنوع و مکرری دراینگونه حرکات‌خودسرانه دارند وممانعتی‌هم‌نمیپینند، به‌آنان حتی اجازهٔ ورود به‌محل کارشان را هم ندادند. به‌قراری که‌شنیده شد، این آقایان شبانه یا شاید نزدیکیهای سحر، درحالی که هیچیك از کارکنان روزنامه در محل نبوده‌است، به‌طریقی دزدوار داخل آنجاشده و معلوم نیست چه‌بلائی برسر مختصر اثاثه و وسائل کار دفتر، ازقبیل میز و صندلی و ماشین تحریر و دوره‌های روزنامه‌ها و غیره‌آورده‌اند. آنچه به‌راستی مایهٔ شگفتی است و درجهٔ بی‌پروائی این آقایان را معلوم می‌دارد، آن است که، این عمل هنگامی روی می‌دهد که همهٔ احکام احتمالی مربوط به مصادره و دستگیری اشخاص و اشغال محل‌وامثال آن، از تاریخ ۱۲ر۶ر۵۹، از سوی آن جناب، حجت‌الاسلام قدوسی دادستان کل انقلاب، باطل اعلام شده است.

اینجانب محمود اعتمادزاده، صاحب‌امتیاز و مدیر روزنامه «اتحاد مردم»، که پروانهٔ انتشار آن در تاریخ ۲۰ر۱۱ر۱۳۵۸، به شماره۸۵۹۸، از سوی وزارت ارشاد ملی صادر گردیده و به‌ثبت رسیده است، بدین وسیله اعتراض شدید خود را به‌این عمل هرج‌ومرج‌طلبانه، که همهٔ‌حقوق مدنی و سراسر قوانین جاری، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رالکدمال و بی‌اعتبار می‌کند، اعلام میدارم و مصرا از آن مقام محترم خواستارم که با استفاده از قدرت قانونی و انقلابی، که‌جامعه‌در اختیار آن‌جناب گذاشته است، ترتیبی برای رفع مزاحمت این‌اشخاص بی‌بندوبار و غیرمسئول بدهند و محل روزنامه را دراختیار کارکنان آن بگذارند. به امید اقدام عاجل آنجناب و با تقدیم احترام.

محمود اعتماد زاده

تشنج‌ودرگیری‌به‌کسماء،نیزسرایت‌کرد

دفتر حزب توده‌ایران ـشهرستان کسماء ـ ماسال روز ۷ شهریور اشغال شد. اشغال‌کنندگان تابلوی اعلانات‌جلودفتررا شکستند، پوسترهای موجود را پاره کردند ومقداری از روزنامه‌ها و نشریات موجود در دفتر را با خود بردند.

این عمل، بدنبال درگیریهای مکرر افراد به اصطلاح «حزب ـ اللهی» با دیگر سازمانهای سیاسی در شهرستان صومعه‌سرا صورت گرفت. در جریان این درگیریها، که در روز پنجشنبه ٦ شهریور به اوج‌خود رسید، رفقای ما برای جلوگیری از افزایش تشنج تلاش کردند و تا حدودی نیز موفق شدند. ولی متاسفانه در این میان یکی از رفقای ما، که توسط چماق وچاقوی آشوبگران بشدت مجروح شده‌بود، دستگیر شد. وی تا ساعت سه بعدازظهر روز بعد در بازداشت‌سپاه پاسداران بسر برد و پس‌ازآن‌همراه با دیگر دستگیر شدگان آزادشد.

ما ضمن اعتراض شدید به این اشغال غیرقانونی دفتر حزب توده ایران در کسماء از مسئولین امر می‌خواهیم که با قاطعیت جلواینگونه اعمال را بگیرند و اجازه ندهند عوامل داخلی ضدانقلاب برای‌اجرای کودتای آمریکایی در کشورزمینه‌چینی کنند.

دستگیری ده تن ازاعضا و هواداران حزب توده ایران‌در اراك

ده‌تن از اعضاء و هواداران حزب توده ایران، در شهر صنعتی اراك، بهنگامیکه مشغول نصب پوسترهای «**خطر آمریکا جدی است...**» بودند، دستگیر شدند و به کمیته انتقال یافتند.

بدنبال حملاتی که به دفاترحزب ما میشود و تضییقاتی که در راه فعالیت قانونی حزب ما فراهم‌میگردد، توقیف ده‌تن ایرانی مبارزی که هدفشان چیزی جز متوجه کردن «**همه قلمها و تفنگها بسوی‌امریکا**» و نشان دادن دشمن عمده انقلاب‌ما شیطان بزرگ نبوده است، بحق نگرانی‌آور و سئوال انگیز است.

مگر خطر آمریکاجدی نیست؟

مگر توطئه‌های رنگارنگ و مداخله‌های بیشرمانه آمریکاانقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تهدید نمیکند؟

مگرسخنان **امام خمینی** واظهارات مقامات مسئول و جوابیه مجلس شورای اسلامی را نخوانده‌اند؟

مگر اقدام این ده تن عضو و هوادار حزبی که صادقانه وپی‌گیر، و همواره در دفاع از انقلاب و نبرد علیه ضدانقلاب در شکلهای‌مختلف آن، پیشقدم و شریك بوده، جز در جهت آن سخنان و علیه آن خطر است؟

ما شدیدا علیه دستگیری این ده نفر و ممانعت از فعالیت انقلابی آنها، که مردم را به هشیاری فراخوانده‌اند، اعتراض میکنیم. ادامه اینگونه اعمال بسود آن کسی‌تمام میشود که، خطرش جدا انقلاب و جمهوری‌اسلامی‌ایران‌راتهدیدمیکند.

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است